

تصحیح هوشمند
و آنلاین کاربرگ‌ها

سه کتاب
در یک یک

مجموعه کتاب‌های
پیرپیک

رشته تجربی و ریاضی

عجب

مؤلف: وهاب اصغری

حل تصویری کاربرگ: گروه مؤلفان
ناظر علمی: دکتر مهران ترکمان



مهر و ماه



هومان



• درسنامه‌های جامع و تحلیل کامل متن و تمرین به سبک کتابنامه

• بیش از ۳۵۰۰ سؤال متنوع امتحانی

همایش رایگان شب امتحان



خلاصه کپسولی



۱۴ کاربرگ امتحانی



به نام خدای مهربان



• برای دریافت
امتحانات برگزار شده
این کد رو اسکن کن.



من همیشه به شاگردانم گفته‌ام که امتحان تشریحی درسی مثل عربی، به مراتب سخت‌تر از امتحان تستی این درس است. چون برای حل سؤالات تشریحی، باید با استفاده از اطلاعات و دانایی خودمان، به خلق کلمات و جملات درست و بی‌عیب بپردازیم و با در نظر گرفتن تمام نکات و مباحثی که خوانده‌ایم، جواب را در پاسخ‌برگ وارد کنیم و نمره کامل را کسب کنیم.

علاوه بر این، در نظر داشته باشید که عربی سال دهم، سخت‌ترین و پرنکته‌ترین عربی دوران تحصیل شماست. هم به لحاظ حجم و کمیت، همه به لحاظ مطالب و کیفیت.

از طرفی اگر مطالب عربی سال دهم برای شما به‌خوبی و درست و به‌اندازه جا نیفتد، قطعاً برای ورود به سال یازدهم و دوازدهم و کسب نمره عالی در امتحان نهایی، به مشکل بر خواهید خورد.

با همه این توضیحات، شما به ابزاری کامل و کاربردی برای طی این مسیر نیاز دارید. کتاب **بیست‌پی** عربی دهم، علاوه بر آموزش درست و اصولی، با حل نمونه مثال‌های متنوع به همراه سؤالات متعدد که دارای پاسخ کاملاً تشریحی می‌باشند، ضمن اینکه شما را در حد تسلط بر تمام مباحث کتاب درسی برای گرفتن نمره ۲۰ امتحان پایانی مهیا می‌نماید، مانند معلمی دلسوز و پرتلاش، شما را آماده ورود به پایه یازدهم می‌کند. با مطالعه این کتاب، شما به درسنامه‌های جامع، تمرین‌های متنوع، نمونه سؤالات امتحانی و پاسخ‌های تشریحی آن‌ها دسترسی خواهید داشت. حال ببینیم در کتاب **بیست‌پی** چه خبر است و این کتاب شامل چه بخش‌هایی می‌باشد.

کتاب پرسؤال این بخش شامل قسمت‌های متنوع و کاربردی است که به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم:

۱- **درسنامه:** در ابتدای هر درس، قواعد مربوط به آن به‌صورت کامل و با مثال‌های متعدد و توضیحات جامع بررسی شده است. تلاش شده تا محتوای درسنامه دقیقاً مطابق با محتوای کتاب درسی و چارچوب آزمون‌های کلاسی و پایانی باشد و از پرداختن به مطالب خارج از کتاب خودداری شود. در ادامه درسنامه، تمامی لغات، مترادف‌ها، متضادها و جمع‌های مکسر کل درس به‌صورت منظم و الفبایی دسته‌بندی شده‌اند. این ویژگی به شما کمک می‌کند تا به‌راحتی به تمامی واژگان مورد نیاز برای امتحان دسترسی پیدا کنید.

۲- **کتابنامه:** این بخش، قلب تپنده کتاب ماست و ویژگی منحصر به فردی است که آن را از سایر کتاب‌های موجود در بازار متمایز می‌کند. در این قسمت، کلمه به کلمه متن درس به‌طور دقیق و موشکافانه کالبدشکافی شده است. به این معنی که هر کلمه، هم ترجمه شده و هم نقش آن در جمله (فاعل، مفعول، صفت و...) به‌طور کامل مشخص شده است. علاوه بر این، از نظر قواعدی نیز تمام زوایای آن کلمه بررسی و تحلیل شده است. این ویژگی بی‌نظیر که در هیچ کتاب کمک‌آموزشی دیگری یافت نمی‌شود، به شما کمک می‌کند تا تسلط کاملی بر متن کتاب درسی پیدا کنید. مطمئن باشید که با استفاده از این بخش، دیگر هیچ ابهامی در مورد معنی و نقش کلمات در جملات کتاب درسی برای شما باقی نخواهد ماند.

۳- **پرسش‌های تشریحی:** در این بخش، پرسش‌های هدفمند و تألیفی باکیفیت و استاندارد گردآوری شده است. این پرسش‌ها شامل پرسش‌های آزمون‌های نهایی و شبه‌نهایی سال‌های گذشته و همچنین پرسش‌های تألیفی است. پرسش‌های دشوارتر با علامت **۷۰+** مشخص شده‌اند تا شما بتوانید سطح دشواری آن‌ها را تشخیص دهید. نکته مهم در مورد پرسش‌ها، چینش، دسته‌بندی و تقسیم موضوعی آن‌هاست. به این ترتیب که در هر درس، پرسش‌های متنوعی از موضوعات مختلف مانند لغات و ترجمه، متضاد و مترادف، قواعد، درک مطلب و... وجود دارد. این امر به شما کمک می‌کند تا به‌راحتی نقاط قوت و ضعف خود را در هر موضوع شناسایی کنید.

۴- **پاسخنامه:** در بخش پایانی کتاب پرسؤال، پاسخ‌های کاملاً تشریحی به تمامی پرسش‌های مطرح‌شده در کتاب ارائه شده است. علاوه بر این، در خلال پاسخ‌ها، هر جا که نیاز بوده، با عناوینی مانند **یادآوری**، **تکرار**، **نکته**، و... به مرور و بررسی مجدد مطالب پرداخته شده است. همچنین به نحوه پاسخ‌نویسی در آزمون‌های نهایی نیز توجه شده است.

کتاب کاربرگ امتحانی این بخش شامل موارد زیر است:

۱- **آزمون‌های درس به درس:** این آزمون‌ها به سبک و سیاق آزمون‌های نهایی طراحی شده‌اند و تلاش شده تا تمامی نکات مهم و پرتکرار هر درس در قالب این آزمون‌ها گنجانده شود. بنابراین پس از مطالعه هر درس، یک آزمون شبیه به آزمون‌های نهایی در انتظار شماست.

۲- **آزمون‌های جامع:** پس از آزمون‌های درس به درس، آزمون‌های جامع قرار داده شده است. این آزمون‌ها شامل آزمون‌های تألیفی برای نیم‌سال اول، پایان سال و آزمون‌های پایانی و نهایی است. توصیه می‌شود پس از مطالعه کل کتاب، به این آزمون‌ها پاسخ دهید.

کتابچه خلاصه کپسولی این بخش شامل خلاصه‌ای جامع و مفید از مهم‌ترین مطالب کتاب درسی است. در این بخش، هر آنچه که برای مرور سریع و جمع‌بندی مطالب نیاز دارید، از لغات و قواعد پایه گرفته تا تکنیک‌های ترجمه و نکات مهم مربوط به قواعد پایه دهم، به‌صورت خلاصه و دسته‌بندی شده ارائه شده است. این بخش به‌ویژه برای مرور مطالب در شب امتحان بسیار مفید است.

سپاسگده به ثمر نشستن هر اثر ارزشمندی، مرهون تلاش و همدلی جمعی از افراد دلسوز و فرهیخته است که با صرف وقت و انرژی بی‌دریغ خود، نقشی بی‌بدیل در خلق آن ایفا می‌کنند. بر خود لازم می‌دانیم از یکایک این عزیزان که در به سرانجام رساندن این کتاب ما را یاری نمودند، صمیمانه سپاسگزاری کنیم. در این میان، قدردانی ویژه داریم از:

• آقای دکتر مهران ترکمان عزیز مدیر محترم گروه عربی انتشارات مهرماه، که با درایت و مدیریت خود، فضایی سازنده و پویا را برای خلق این اثر فراهم آوردند، راهنمایی‌های ارزشمند ایشان، فراتر از وظایف مدیریتی، همواره همچون یک برادر بزرگتر، چراغ راهم بوده است.

• مدیرعامل محترم انتشارات مهرماه جناب آقای احمد اختیاری که با نظرات خلاقانه و سازنده خود در کنار ما بودند.

• مدیر محترم تألیف جناب آقای امیر محمدیگی که با دقت و ظرافت مثال‌زدنی، در شکل‌گیری محتوای غنی و منسجم کتاب، نقشی بی‌نظیر ایفا نمودند. تلاش‌های بی‌وقفه و تعهد ایشان، شایسته بالاترین مراتب تقدیر است.

• مسئول پروژه درجه یک، توانمند و دلسوز سرکار خانم مهشید بشیری که بی‌شک، به ثمر رسیدن این کتاب، بیش از هر چیز، مرهون تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و پیگیری‌های مجدانه ایشان است.

فهرست



الدُّرْسُ الْأَوَّلُ

ذاكَ هُوَ اللَّهُ: مرور قواعد متوسطة اول

درسنامه	۶
لغات	۱۴
کتابنامه	۱۶
حل و بررسی تمرین	۱۹
سؤالات امتحانی	۲۱
پاسخنامه	۱۵۰



الدُّرْسُ الثَّانِي

الفواظ الغدديّة من رسول الله (ص): اعداد از یک تا صد

درسنامه	۳۰
لغات	۳۲
کتابنامه	۳۳
حل و بررسی تمرین	۳۵
سؤالات امتحانی	۳۹
پاسخنامه	۱۵۲



الدُّرْسُ الثَّالِثُ

مَطَرُ السَّمَكَ: اشکال افعال (۱)

درسنامه	۴۶
لغات	۴۷
کتابنامه	۴۸
حل و بررسی تمرین	۵۱
سؤالات امتحانی	۵۵
پاسخنامه	۱۵۵



الدُّرْسُ الرَّابِعُ

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ: اشکال افعال (۲)

درسنامه	۶۳
لغات	۶۴
کتابنامه	۶۵
حل و بررسی تمرین	۶۸
سؤالات امتحانی	۷۲
پاسخنامه	۱۵۸



الدُّرْسُ الْخَامِسُ

هَذَا خَلَقَ اللَّهُ: جمله فعلیه و جمله اسمیه

درسنامه	۷۹
لغات	۸۲
کتابنامه	۸۳
حل و بررسی تمرین	۸۶
سؤالات امتحانی	۹۰
پاسخنامه	۱۶۱



الدُّرْسُ السَّادِسُ

ذوالقَرْنَيْنِ: فعل مجهول

درسنامه	۹۷
لغات	۹۸
کتابنامه	۹۹
حل و بررسی تمرین	۱۰۲
سؤالات امتحانی	۱۰۵
پاسخنامه	۱۶۴



الدُّرْسُ السَّابِعُ

يَا مَنْ فِي الْبَحْرِ عَجَائِبُهُ: جار و مجرور و نون وقایه

درسنامه	۱۱۳
لغات	۱۱۵
کتابنامه	۱۱۶
حل و بررسی تمرین	۱۱۹
سؤالات امتحانی	۱۲۳
پاسخنامه	۱۶۷



الدُّرْسُ الثَّامِنُ

صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارْسِيِّ: اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه

درسنامه	۱۳۲
لغات	۱۳۳
کتابنامه	۱۳۴
حل و بررسی تمرین	۱۳۶
سؤالات امتحانی	۱۴۱
پاسخنامه	۱۷۱



مشاوره: به نظر من پلیسی‌ترین درس عربی دهم، همین درسه! چون از به طرف شما رو وارد دنیای نقش‌ها و محل اعرابی می‌کنه، از طرف دیگه هم، پای ثابت همه امتحان‌هاست! یعنی توی همه امتحانات بعدیتون حداقل ۲/۵ نمره از این درس دارید. راحتون کنم، این درس رو خوب یاد بگیرید انگار نصف کل عربی رو یاد گرفتید. خُص و تَمَّت!

درستامه قواعد درس پنجم

انواع خبر

- خبر از نوع اسم (یعنی یک اسم مرفوع: **مَنْ وَنَ**)
- مثال:** **صُدُّوا الْأَعْرَابَ قُبُورِ الْأَسْرَارِ**. (سینه‌های آزادگان قبرهای رازهاست.)
• **المؤمنون في حياتهم صابرون.** (مؤمنان در زندگی‌شان صبور هستند.)
- خبر از نوع فعل (یعنی یک جمله فعلیه)
- مثال:** **نَحْنُ نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ**. (ما بر خداوند توکل می‌کنیم.)
• **تَلَامِيذُ صَفْنَا يَسْتَمِعُونَ إِلَى الدَّرْسِ**. (دانش‌آموزان کلاس ما به درس گوش می‌دهند.)
- خبر از نوع جار و مجرور (یعنی یک جار و مجرور)
- مثال:** **هُوَ فِي الصَّفِّ**.
• **عَلَى مَعَ أَصْدِقَائِهِ إِلَى الْخَيْرِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ**.

ساختار جمله اسمیه

مبتدا	خبر
اسم یا ضمیری که در ابتدای جمله	پیام اصلی که درباره مبتدا داده
اسمیه می‌آید (چیزی شبیه نهاد)	+ می‌شود (چیزی شبیه گزاره)

- مطابقت مبتدا و خبر: بین مبتدا و خبر، از نظر جنسیت و تعداد مطابقت وجود دارد؛ به جز جمع غیرعاقل که معادل مفرد مؤنث است.
- مثال:** **التِّلْمِيذُ يَذْهَبُ / التِّلْمِيذَتَانِ تَذْهَبَانِ / السَّيَّارَاتُ تَذْهَبُ بِسُرْعَةٍ**.

رقت کنید: به تعداد مبتداها در یک عبارت، خبر وجود دارد.

مثال: **أَبْطَالُ بِلَادِنَا الْقَوِيُّونَ أَمْسَ مَعَ قَافِلَةِ إِيْرَانٍ ذَهَبُوا إِلَى الْمُبَارَاةِ**

و **هُمُ نَاجِحُونَ** إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (قهرمانان نیرومند سرزمین ما دیروز همراه با کاروان ایران به مسابقات رفتند و ان شاء الله پیروز می‌شوند.)

۱. در درس هفتم، با بحث «جار و مجرور» آشنا خواهید شد.

الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ وَالْجُمْلَةُ الْإِسْمِيَّةُ

بچه‌ها جملات عربی بر دو نوع هستند: (۱) جملات اسمیه (۲) جملات فعلیه

① **جملات اسمیه:** جملاتی هستند که با یک اسم یا ضمیر شروع می‌شوند. (دقت کنید که همه ضمایر، اسم‌های اشاره و اسم‌های موصول (وصل‌کننده)، از زیرمجموعه اسم هستند.)

مثال: **التِّلْمِيذُ يَذْهَبُ / هُمُ ذَهَبُوا إِلَى الْمَسْجِدِ / هَؤُلَاءِ الْمُعْلَمُونَ جَاؤُوا / الَّذِي يَصْبِرُ يَنْجُ**.

② **جملات فعلیه:** جملاتی هستند که با یک فعل شروع می‌شوند.

مثال: **يَذْهَبُ التِّلْمِيذُ / قَالَ الْمُعْلَمُ: أَنْظَرُوا إِلَى السَّبُورَةِ / نَجَّحَ اللَّاعِبُونَ فِي الْمُبَارَاةِ**.

دقت کنید از آنجایی که یک فعل در زبان عربی پیامی کامل در حد یک جمله را دارد، می‌توانیم هر فعل را یک جمله فعلیه قلمداد کنیم و به آن جمله فعلیه بگوییم.

مثال: **ذَهَبْنَا** (آن دو نفر مؤنث در گذشته رفتند.)

آشنایی با آرکان جمله اسمیه

جمله اسمیه حتماً دو رکن (نقش) اصلی دارد:

① **مبتدا:** به اسم یا ضمیری که در ابتدای جمله اسمیه می‌آید، مبتدای می‌گویند. اگر مبتدا اسم باشد اعرایش مرفوع است. یعنی آخرش یکی از این علامت‌ها را دارد (**مَنْ**، **وَنَ**، **إِنْ**).

مثال: **لِسَانُ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِيٌّ**. (زبان گربه، سلاحی طبی است.)
• **المؤمنون ذهبوا هناك.** (مؤمن‌ها به آنجا رفتند.)

② **خبر:** به پیام اصلی که پس از مبتدا آمده و درباره مبتدا داده می‌شود، خبر گفته می‌شود.

منظور از پیام اصلی یعنی بخشی از جمله که قابل حذف شدن نیست و اگر حذف شود، مفهوم جمله ناقص می‌شود.

مثال: **كُلُّ الْمُسْلِمِينَ إِخْوَةٌ**. (همه مسلمانان، برادر هستند.)
• **رَجُلٌ قَوِيٌّ جَاءَ إِلَى**. (مردی نیرومند، به سوی من آمد.)

آشنایی با آرکان جمله فعلیه

جمله فعلیه همیشه دو رکن (نقش) اصلی فعل و فاعل را دارد و اگر فعل جمله، مفعول پذیر باشد، مفعول هم دارد.

با فعل قبلاً آشنا شدیم، پس الآن به معرفی نقش فاعل و مفعول می پردازیم:

۱) **فاعل:** همان انجام دهنده کار در جمله است، که همواره پس از فعل (معلوم) می آید، و اگر اسم باشد مرفوع است، یعنی آخرش یکی از علامت های «ت، و، اِن» را دارد، چون گاهی فاعل، یک ضمیر است.

مثال: يَقُولُ أَسَاتُونَا: سَتَاتِي مَوْضُوعَاتٍ مُهِمَّةٌ فِي الْإِمْتِحَانِ.

تَذْهَبُ الشَّمْسُ خَلْفَ الْغَيْمِ.

نکته نهایی: بهتر است بدانید که فاعل سه نوع دارد، ولی فقط

نوع اول از شما سؤال خواهد شد.

نوع اول: فاعل از نوع اسم ظاهر

مثال: ذَهَبَ الْمُؤْمِنُ إِلَى الْقِتَالِ. (مؤمن به سوی پیکار رفت.)

نوع دوم: فاعل از نوع ضمیر بارز

مثال: ذَهَبُوا إِلَى الْقِتَالِ. (آن ها به سوی پیکار رفتند.)

نوع سوم: فاعل از نوع ضمیر مستتر

مثال: ذَهَبَ إِلَى الْقِتَالِ. (او به سوی پیکار رفت.) ← فاعل ضمیر «هو» مستتر

۲) **مفعول:** کلمه ای است که کار فعل روی آن انجام می پذیرد و همواره پس از فعل مفعول پذیر می آید. نشانه ترجمه ای آن معمولاً «را» می باشد و اگر اسم باشد، منصوب است، یعنی آخرش یکی از علامت های «ت، ی، ین» را دارد.

مثال: رَأَى الْمَزَارِعَ الْقَارَةَ فِي الْمَزَارِعِ. / الْيَوْمَ سَأَلْتُ الْمُعَلِّمَ عَنِ التَّكَالِيفِ. / أَمْسَ صَرَيْتُكَ أَخْثُكَ الصَّغِيرَةَ.

نکته نهایی: بهتر است بدانید که مفعول دو نوع دارد، که معمولاً

نوع اول از شما سؤال خواهد شد.

نوع اول: مفعول از نوع اسم ظاهر

مثال: نَحْنُ نُشَاهِدُ فِي الشَّارِعِ السَّيَّارَةَ. (ما در خیابان، ماشین را می بینیم.)

نوع دوم: مفعول از نوع ضمیر متصل

مثال: أَنْصَحُكُمْ بِالْمُطَالَعَةِ. (شما را به مطالعه کردن، نصیحت می کنم.)

یادآوری: ضمایر متصل عبارت اند از: ه، هُما، هُم، هَا، هُما، هُنَّ،

كَ، كُما، كُمْ، كِ، كُما، كُنَّ، سِ، سِنا

ساختار جمله فعلیه

فعل	حتماً فاعل	گاهی مفعول
انجام دهنده کار که پس کسی یا چیزی که کار روی آن انجام در ابتدای جمله + از فعل معلوم می آید. می شود و پس از فعل متعدی می آید.	(ت، و، اِن)	(ت، ی، ین)

جابه جایی فاعل و مفعول: ممکن است ترتیب آمدن فاعل و مفعول تغییر کند. یعنی جابه جایی بین فاعل و مفعول مجاز است.

مثال: كَتَبَتْ فَاطِمَةُ التُّكَالِيفَ. / كَتَبْتُ التُّكَالِيفَ فَاطِمَةَ.

فاعل مفعول

(فاطمه تکالیف را نوشت.)

■ **مطابقت فعل و فاعل:** دقت کنید که بین فعل و فاعل باید مطابقت جنس و تعداد برقرار باشد ولی بین فعل و مفعول مطابقت الزامی نداریم.

مثال: كَتَبَ الطَّالِبُ الدَّرْسَ. / كَتَبْتُ الطَّالِبَةُ الدَّرْسَ.

فعل فاعل مفعول فعل فاعل مفعول

البته حواستان باشد که در دو مورد استثناء زیر، مطابقت بین فعل و فاعل نداریم:

الف) فعل صیغه های غایب، در ابتدای جمله به صورت مفرد می آید، چون نمی شود در جمله دو فاعل داشته باشیم:

مثال: يَذْهَبُ أَصْدِقَائِي إِلَى الْمُتَحَفِ. / أَصْدِقَائِي يَذْهَبُونَ إِلَى الْمُتَحَفِ. (دوستانم به موزه می روند.)

■ جَلَسَتِ الطَّالِبَاتُ عَلَى الْكَرَاسِيِّ. / الطَّالِبَاتُ جَلَسْنَ عَلَى الْكَرَاسِيِّ. (دانش آموزان روی صندلی ها نشستند.)

ب) برای جمع های غیر عاقل (غیر انسان)، فعل به صورت مفرد مؤنث به کار می رود:

مثال: كَثُرَتِ الْأَشْجَارُ فِي الْغَابَةِ.

فعل فاعل (جمع غیر عاقل)

■ تَعَبَرُ السُّفُنُ عَنِ النَّهْرِ الْعَظِيمِ.

فعل فاعل (جمع غیر عاقل)

■ **افعال دو مفعولی:** برخی از افعال، دو مفعول دارند، یعنی با دو مفعول پیامشان کامل می شود.

مثال: جَعَلَ اللَّهُ الْجَنَّةَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا.

فعل فاعل مفعول ۱ مفعول ۲

(خداوند بهشت را برای مؤمنان، پاداشی قرار داد.)

برخی از افعال دو مفعولی مهم عبارت اند از: أَطْعَمَ (خوراند) / جَعَلَ (قرار داد) / آرى (نشان داد) / أَعْطَى (داد) / آتَى (داد) / وَهَبَ (بخشید) / مَنَعَ (بخشید) / حَسِبَ (پنداشت) / عَلَّمَ (یاد داد) / سَمَّى (نامید) / ظَنَّ (پنداشت) / وَجَدَ (یافت) / وَعَدَ (وعده داد) / حَمَلَ (تحمیل کرد) و...

نقش ضمایر متصل

اگر ضمایر متصل به فعل بچسبند، مفعول هستند (به جز «نا» که باید بررسی شود) و اگر به اسم بچسبند، مضاف الیه هستند.

فعل + ضمیر متصل → مفعول

مثال: صَرَيْتُكَ (تو را زد)، نُشَاهِدُهُمْ (آن ها را می بینیم)

اسم + ضمیر متصل → مضاف الیه

مثال: كِتَابُكَ (کتاب تو)، مَدْرَسَتُهُمْ (مدرسه آن ها)

■ **نقش ضمیر متصل «نا»:**

■ اگر ضمیر متصل «نا» به فعل مضارع و امر بچسبد: حتماً مفعول است.

مثال: أَنْظِرْنَا (مفعول): نگاه کن ما را / يُخْرِجُنَا (مفعول): خارج می کند ما را

■ اگر ضمیر متصل «نا» به فعل ماضی بچسبد: چنانچه حرکت قبل از «نا» ساکن نباشد، «نا» مفعول است.

مثال: ظَلَمْنَا (مفعول): ظلم کرد بر ما / كَاتَبْنَا (مفعول): با ما نامه نگاری کرد

■ اگر ضمیر متصل «نا» به فعل ماضی بچسبد و حرکت قبل از «نا» ساکن باشد، «نا» فاعل است. (به جز «هی» (صیغه ۴ ماضی))

مثال: ظَلَمْنَا (فاعل): ما ظلم کردیم / كَاتَبْنَا (فاعل): ما نامه نگاری کردیم / صَرَيْتُنَا (مفعول): زد ما را (آن زن)

لغات

• بُكْتِيرِيَا: باکتری	• ابْتَعَدَ: دور شد «حَتَّى تَبْتَغِدَ»: تا دور شود	• ابْتَعَدَ: دور شد «حَتَّى تَبْتَغِدَ»: تا دور شود
• بوم، بومة: جغد	• اِنْجَاه: جهت	• اِنْجَاه: جهت
• تَأَثَّرَ: تحت تأثیر قرار گرفت	• اِحْتَوَى: دربرداشت	• اِحْتَوَى: دربرداشت
• تَحَرَّكَ: حرکت کرد	• اَحْزَار: آزادگان «مفرد: حَزْر»	• اَحْزَار: آزادگان «مفرد: حَزْر»
• تَنْشُرُ: پخش می‌کند	• اَحْسَنْتُ: آفرین بر تو	• اَحْسَنْتُ: آفرین بر تو
• تَحْتَوَى: در بر دارد	• اُدَار: چرخاند، اداره کرد «أَنْ تُدِيرَ»: که بچرخاند	• اُدَار: چرخاند، اداره کرد «أَنْ تُدِيرَ»: که بچرخاند
• جَدَّ: تلاش کرد	• اِسْتَطَاعَ (يَسْتَطِيعُ): توانست (می‌تواند)	• اِسْتَطَاعَ (يَسْتَطِيعُ): توانست (می‌تواند)
• جُرْح: زخم	• اِسْتَفَادَ: بهره بُرد، استفاده کرد «أَنْ يَسْتَفِيدَ»: که بهره ببرد	• اِسْتَفَادَ: بهره بُرد، استفاده کرد «أَنْ يَسْتَفِيدَ»: که بهره ببرد
• حَذَر: هشدار داد	• اِضَاعَة: از دست دادن	• اِضَاعَة: از دست دادن
• جِزَاء: آفتاب پرست	• اِضَافَة اِلَى: علاوه بر، افزون بر	• اِضَافَة اِلَى: علاوه بر، افزون بر
• حَرَكَة: حرکت داد	• اَعْشَاب طِبِّيَّة: گیاهان دارویی «مفرد: عُشْب طِبِّي»	• اَعْشَاب طِبِّيَّة: گیاهان دارویی «مفرد: عُشْب طِبِّي»
• خَطَب: هیزم	• اَفْرَزَ: ترشح کرد	• اَفْرَزَ: ترشح کرد
• خَلِيب: شیر	• اِلْتَأَمَ: بهبود یافت «حَتَّى يَلْتَمِمْ»: تا بهبود یابد	• اِلْتَأَمَ: بهبود یافت «حَتَّى يَلْتَمِمْ»: تا بهبود یابد
• خُفِق: نادانی	• اِلْتِقَاط صُور: عکس گرفتن	• اِلْتِقَاط صُور: عکس گرفتن
• حَوَّل: تبدیل کرد	• اِفْتِلَاح: داشتن، مالکیت	• اِفْتِلَاح: داشتن، مالکیت
• دَل: راهنمایی کرد	• اَنْ تَرَى: که ببیند (که ببینی)	• اَنْ تَرَى: که ببیند (که ببینی)
• دُونَ اَنْ: بی آنکه «دُونَ اَنْ تُحَرِّكَ»: بی آنکه حرکت بدهد	• اِنَارَة: نورانی کردن	• اِنَارَة: نورانی کردن
• دَم: نکوهش	• اِنْبَعَثَ: فرستاده شد	• اِنْبَعَثَ: فرستاده شد
• ذَنْب: دُم «جمع: اُذْنَاب»	• اُنْشَدَ: سُرایید «قَدْ اُنْشَدَ»: سروده است	• اُنْشَدَ: سُرایید «قَدْ اُنْشَدَ»: سروده است
• زُبْمَا: چه بسا	• بَارَكَ اللهُ فِیک: آفرین بر تو	• بَارَكَ اللهُ فِیک: آفرین بر تو
• زَيْت: روغن «جمع: زُبُوت»	• بَالْتَأْکِید: البته	• بَالْتَأْکِید: البته
• سَائِح: گردشگر «جمع: سُیَاح»	• بُحَيْرَة: دریاچه	• بُحَيْرَة: دریاچه
• سَائِق: راننده	• بَرَى: خشکی، صحرایی، زمینی «نَبَاتَاتُ بَرِّيَّة»	• بَرَى: خشکی، صحرایی، زمینی «نَبَاتَاتُ بَرِّيَّة»
• سَائِل: مایع، پُرسشگر	• گیاهان صحرایی	• گیاهان صحرایی
• سَكِينَة: آرامش	• بَطْلَة: اردک	• بَطْلَة: اردک

واژه‌های مترادف

• شَاءَ = ظَلَبَ = أَرَادَ (خواست)	• جَدَّ = سَعَى (تلاش کرد)	• اِسْتَطَاعَ = قَدِرَ (توانست)
• عُشْب = نَبَات (گیاه)	• خَلال = بَيْنَ (میان)	• اِنَارَة = اِضَاءَة (روشن کردن)
• کَلَام = قَوْل (سخن)	• خَلْف = وَرَاء (پشت)	• بَرَى = صَحْرَاء (بیابان)
• نُفَاتَة = زُبَالَة (آشغال)	• دَل = اُرْشَدَ (راهنمایی کرد)	• بَنَى = صَنَعَ (ساخت)
	• سَكِينَة = هُدُوء (آرامش)	• تَحَرَّكَ = سَارَ (حرکت کرد)

واژه‌های متضاد

• ظَلَام (تاریکی) ≠ ضِیَاء (روشنایی)	• حَاضِر (حاضر) ≠ غَائِب (غایب)	• اِلْتَأَمَ (بهبود یافت) ≠ جُرْح (زخمی شد)
• لَیْل (شب) ≠ نَهَار (روز)	• حَسَنَة، بِرّ (نیکی) ≠ سَیِّئَة (بدی)	• بَرَى (خشکی) ≠ مَائِي (آبی، آبرزی)
• مُسْلِم (مسلمان) ≠ کَافِر (کافر)	• دَل (راهنمایی کرد) ≠ اَضَلَّ (گمراه کرد)	• تَحْتَ (زیر) ≠ فَوْق (بالا)
• نَفْع (سود) ≠ ضَرَر (زیان)	• سَکُوت (ساکت بودن) ≠ تَکَلُّم (سخن گفتن)	• تَحَرَّكَ (حرکت کرد) ≠ تَوَقَّفَ (ایستاد)
• یُسْر (آسانی) ≠ عُسْر (سختی)	• سَوَال (سؤال) ≠ جَوَاب (جواب)	• ثَابِتَة (ثابت) ≠ مُتَحَرِّکَة (متحرک)



جمع‌های مکرر

أحرار ← حُر (آزاده)	شُبَّاح ← سائح (گردشگر)	أعشاب ← عُشب (گیاه)
أحياء ← حي (زنده)	شُعراء ← شاعر (شاعر)	أعماق ← عُمق (عمق)
خواص ← خاضة (ویژگی)	أصحاب ← صاحب، صحابه (یار، رفیق)	قصور ← قصر (کاخ، قصر)
زُوار ← زائر (زیارت‌کننده)	أضواء ← ضوء (نور)	مصابيح ← مصباح (چراغ)
زُیوت ← زيت (روغن)	طُيور ← طیر (پرنده)	أماكن ← مكان (مکان)

کتابنامه

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَسَّأَ الْخَلْقَ﴾ (العنكبوت: ۲۰)

فعل و فاعل فعل ج. م فعل و فاعل مفعول

ترجمه بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه [خداوند] آفرینش را آغاز کرد.

کالبر شکاف: «سیروا» فعل امر ثلاثی مجزء است. (سار - یسیر) • «انظروا» فعل امر ثلاثی مجزء می‌باشد.

• «بدأ» فعل ماضی، ثلاثی مجزء است. • «الخلق» مصدر ثلاثی مجزء می‌باشد.

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ (البقره: ۱۱)

مبتدا خبر م. الیه

ترجمه این آفرینش (خلقت) خدا است.

کالبر شکاف: اگر مبتدا، اسم اشاره باشد برای تعیین خبر دو حالت وجود دارد:

الف، بعد از اسم اشاره، اسم بی‌ال باشد. ← به ترتیب مبتدا و خبر داریم.

مثال: هؤلاء ناجحون. ← این‌ها، موفق هستند.

مبتدا خبر

ب، بعد از اسم اشاره، اسم با ال باشد. ← اسم اشاره مبتدا است، اسم ال دار وابسته مبتدا (مشارالیه) است و خبر را باید در ادامه جمله پیدا کنیم.

مثال: هؤلاء المعلمون مُشفقون. ← این معلمان، دلسوز هستند.

مبتدا وابسته خبر

﴿الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْبَحْرِ لِيَلْجَأُوا إِلَى الْغَوَاصِينَ الْمَلُؤَنَةِ﴾

مبتدا صفت فعل و فاعل ج. م م. الیه قید فعل و فاعل مفعول م. الیه صفت

ترجمه غواصانی که شبانه به اعماق اقیانوس رفتند، صدها چراغ رنگی را دیده‌اند.

کالبر شکاف: «الغواص» بر وزن «فَعَال» اسم مبالغه است که بر شغل دلالت می‌کند. دقت کنید برای ترجمه اسم مبالغه‌ای که بیانگر شغل و ابزار است،

از «بسیار» استفاده نمی‌کنیم. • «شاهدوا» فعل ماضی، ثلاثی مزید از باب «مُفاعَلة» و نقش خبر دارد. • «المصابيح» چون معدود است، با وجود جمع بودن، به شکل مفرد ترجمه می‌شود.

• «المُلَوَّنَة» اسم مفعول ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيل» و مصدر آن «تَلَوَّن» است.

﴿الَّتِي يَتَّبِعُ ضَوْوُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، وَ تَحُولُ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ﴾

صفت فعل فاعل م. الیه ج. م صفت فعل مفعول م. الیه ج. م صفت

ترجمه که نورشان از ماهی‌های نورانی فرستاده می‌شود، و تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می‌کنند.

کالبر شکاف: «يَتَّبِعُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «إِنْفِعَال» است. • یادتان باشد که تمام افعال باب «إِنْفِعَال» مفعول نمی‌پذیرند. • «المُضِيَّة» اسم فاعل

از ثلاثی مزید و از باب «إِفْعَال» است. (أضاء - يُضيء - إضاءة) • «تَحُولُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «تَفْعِيل» است.

• **لغات مشابه:** «حَوَّل - يُحوِّل» تغییر داد / «تَحَوَّل - يَتَحَوَّل» تغییر کرد / «حاوَل - يُحاوِل» کوشید

﴿يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَاصُونَ التِّقَاطَ ضَوْورِ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ﴾

فعل ج. م فاعل مفعول م. الیه ج. م م. الیه وابسته

ترجمه که غواصان در آن می‌توانند در نورهای این ماهی‌ها عکس بگیرند.

کالبر شکاف: «يَسْتَطِيعُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «إِسْتِفْعَال» است. • «التِّقَاط» مصدر ثلاثی مزید از باب «إِفْعَال» است.

﴿اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَتَّبِعُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ غُيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ﴾

فعل فاعل وابسته فعل ج. م صفت صفت فعل قید م. الیه م. الیه وابسته

ترجمه دانشمندان کشف کرده‌اند که این نورها از نوعی باکتری نورانی فرستاده می‌شود که زیر چشمان آن ماهی‌ها زندگی می‌کنند.

کالبر شکاف: «اِكْتَشَفَ» فعل ماضی ثلاثی مزید از باب «إِفْعَال» است.

• **لغات مشابه:** «عاش - يَعِش» زندگی کرد / «تَعَايش - يَتَعَايش» هم‌زیستی کرد

هل يمكن أن يستفيد البشر يوماً من تلك المعجزة البحرية، و يستعين بالبكتيريا المضيفة لإنارة المدن؟

فعل و فاعل فعل فاعل قيد ج.م وابسته صفت فعل و فاعل ج.م صفت ج.م م.اليه

ترجمه آیا امکان دارد که بشر روزی از آن معجزه دریایی استفاده کند و از باکتری نورانی برای روشن کردن شهرها کمک بگیرد؟

کالبر شکافی: «يُمْكِن» فعل مضارع، ثلاثي مزید از باب «إفعال» است. • «يَسْتَفِيدُ» فعل مضارع، ثلاثي مزید از باب «إستفعال» است.

• «المُعْجَزَة» اسم فاعل از ثلاثي مزید از باب «إفعال» است. • «يَسْتَعِينُ» فعل مضارع، ثلاثي مزید از باب «إستفعال» است. (استعان - يستعين - إستعانة)

• «إنارة» مصدر ثلاثي مزید از باب «إفعال» است. (أنار - يُنير - إنارة)

وَمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ «مَنْ ظَلَسَ شَيْئاً وَ جَسَدٌ وَ جَسَدٌ»

فعل و فاعل مفعول مبتدا فعل مفعول فعل فعل

ترجمه چه بسا آن را بتواند؛ زیرا هر کس، چیزی را بخواهد و تلاش کند، [آن را] می‌یابد.

کالبر شکافی: «جَسَدٌ» فعل ماضی و ثلاثي مجزء است.

إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِئٌ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدِّ ثَفَرٍ سَائِلٍ مُطَهَّرٍ، فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَنِّمَ.

ج.م فعل و فاعل مفعول صفت ج.م فعل فاعل مفعول م.اليه م.اليه فعل

ترجمه بی‌گمان زبان گربه سلاحی پزشکی دائمی است، زیرا آن پر از غده‌هایی است که مایعی پاک‌کننده ترشح می‌کند، پس گربه زخمش را

چندین بار می‌لیسد، تا بهبود یابد.

کالبر شکافی: «دَائِمٌ» اسم فاعل از ثلاثي مجزء است. • «مَمْلُوءٌ» اسم مفعول از ثلاثي مجزء است. • «ثَفَرٍ» فعل مضارع، ثلاثي مزید از باب «إفعال» است.

• «سَائِلٍ» اسم فاعل از ثلاثي مجزء و «مُطَهَّرٍ» نیز اسم فاعل، ولی از ثلاثي مزید باب «تفعیل» می‌باشد.

• دقت کنید که هر فعل مضارعی که حرف اولش «لُ» باشد، دو حالت دارد:

الف: از باب «إفعال»، تفعیل، مُفاعَلَة نباشد. ← مجهول است. **مثال:** يَكْتُبُ، يُتَّصَرُّ، تُسْتَعْمَلُ و...

ب: از باب «إفعال»، تفعیل، مُفاعَلَة نباشد. ← باید بررسی کنیم که می‌تواند معلوم باشد یا مجهول. (از حرکت عین الفعل، ساختار جمله، ترجمه و نقش‌ها باید متوجه شویم.)

مثال: الوالدُ يُحِبُّ أَوْلَادَهُ. ← پدر فرزندانش را دوست دارد. • يُشْكِرُ اللَّهَ. ← خداوند شکر می‌شود.

معلوم مجهول

• «يَلْعَقُ» فعل مضارع، ثلاثي مجزء است. • «مَرَّاتٍ» جمع است ولی چون پس از «عِدَّة» آمده، به شکل مفرد ترجمه می‌شود. (عِدَّة + اسم جمع → به شکل مفرد

ترجمه می‌شود.) • «يَلْتَنِّمُ» فعل مضارع، ثلاثي مزید از باب «إفعال» است و مصدر آن «التَّئِمُّ» می‌باشد.

إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَالْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّبِئِيَّةَ

م.اليه معطوف فعل و فاعل ج.م م.اليه مفعول صفت

ترجمه بی‌گمان بعضی از پرندگان و حیوانات با غریزه خود، گیاهان دارویی را می‌شناسند.

کالبر شکافی: مراقب باشید کلمه «حَيَوَانَاتِ» صحیح است نه «جَيَوَانِ». • «تَعْرِفُ» فعل مضارع ثلاثي مجزء است.

• لغات مشابه: «عَرَفَ - يَعْرِفُ: شناخت» / «تَعَرَّفَ - يَتَعَرَّفُ: شناخت» / «تَعَارَفَ - يَتَعَارَفُ: با یکدیگر آشنا شدند» /

«عَرَفَ - يُعْرِفُ: شناساند، معرفی کرد» / «اعترفَ - يعترفُ: اعتراف کرد»

و تَعَلَّمَ كَيْفَ تَسْتَغْمِلُ الْغُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛

فعل و فاعل فعل و فاعل مفعول صفت ج.م صفت ج.م م.اليه

ترجمه و می‌دانند چگونه گیاه مناسب را برای پیشگیری از بیماری‌های مختلف به کار ببرند؛

کالبر شکافی: «تَعَلَّمَ» فعل مضارع، ثلاثي مجزء است. • «تَسْتَغْمِلُ» فعل مضارع، ثلاثي مزید از باب «إستفعال» است. • «الْمُنَاسِبَ» اسم فاعل و ثلاثي مزید

از باب «مُفاعَلَة» می‌باشد. • «وَقَايَةِ» مصدر ثلاثي مجزء است. • «الْمُخْتَلِفَةِ» اسم فاعل ثلاثي مزید از باب «إفعال» و مصدر آن «إختلاف» است.

و قَدْ ذَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِ الطَّبِئِيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ الثَّبَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.

فعل فاعل وابسته مفعول ج.م صفت ج.م صفت ج.م م.اليه

ترجمه و این حیوانات انسان را به خواص پزشکی بسیاری از گیاهان صحرایی و غیر آن، راهنمایی کرده‌اند.

کالبر شکافی: «ذَلَّتْ» فعل ماضی، ثلاثي مجزء است. (ذَلَّ - يَذُلُّ) • «الْخَوَاصِ» جمع مکسر «الخاصة»، اسم فاعل از ثلاثي مجزء است. • «الثَّبَاتِ» جمع مؤنث سالم

است و مفرد آن «ثَبَات» می‌باشد، پس مذکر است. در درس یک هم گفتیم که هر اسمی که به شکل جمع مؤنث سالم جمع بسته شود، لزوماً مؤنث نیست.

مثال: اختیار ← اختیارات

• لغات مشابه: «الْبَرَّ: خشکی» را با «الْبَرَّ: نیکی» اشتباه نگیرید.

۱. مبحث مجهول، مربوط به درس ۶ می‌باشد که در آینده با آن آشنا خواهیم شد.



إِنَّ أَغْلَبَ الْخَيَواناتِ إِضافةً إِلَى امْتِلاكِها لِلغَةِ خاصّةً بها، تَمْلِكُ لُغَةً عامّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ جِلالِها أَنْ تَتَفاهَمَ مَعَ بَعْضِها. ج. م. م. إليه ج. م. صفت فعل و فاعل ج. م. م. إليه فعل و فاعل م. إليه م. إليه

ترجمه بی گمان بیشتر حیوانات، علاوه بر داشتن زبانی مخصوص به خود، یک زبانی عمومی دارند که با آن می توانند (منظور) یکدیگر را بفهمند (با هم تفاهم کنند).

کالبر شکاف: «إضافة» مصدر ثلاثی مزید از باب «إفعال» است. (أضاف - يُضیف - إضافة)

• «امْتِلاك» مصدر ثلاثی مزید از باب «إفْتعال» می باشد.

• «تَمْلِكُ» فعل مضارع، ثلاثی مجرد است.

• «عامّة» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است.

• «تَتَفاهَمَ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «تَفاعُل» است.

• «تَسْتَطِيعُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «إِسْتِفعال» است.

فَلِلْغَرابِ صَوْتُ يُحَدِّدُ بِهِ بَقِيَّةَ الْخَيَواناتِ حَتَّى تَبْتَعدَ سَريعاً عَنْ مَنطَقةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ

خبر مبتدا فعل و فاعل ج. م. م. إليه فعل و فاعل حال ج. م. م. إليه مبتدا خبر (ج. م.)

جاسوسی مِنْ جَواسِيسِ الْغابَةِ.

م. إليه ج. م. م. إليه

ترجمه پس کلاغ صدایی دارد که با آن به بقیه حیوانات هشدار می دهد تا سریع از منطقه خطر دور شوند، پس او مانند جاسوسی از جاسوس های جنگل است.

کالبر شکاف: حرف جز «إِ» وسط جمله معنای «برای» دارد، ولی اول جمله به معنای مالکیت (داشتن) می آید. • «يُحَدِّدُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «تَفَعِيل» است. • «تَبْتَعدُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «إفْتعال» می باشد.

لِلبَطْخَةِ غُدَّةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقَرَبِ مِنْ ذَنبِها تَحْتَوِي زَيْتاً خَاصّاً تَنْشُرُهُ عَلَى جِسْمِها. فَلَا يَتَأَثَّرُ جِسْمُها بِالْماءِ.

خبر مبتدا صفت ج. م. ج. م. م. إليه فعل و فاعل مفعول صفت فعل و فاعل مفعول ج. م. م. إليه فعل ج. م.

ترجمه اردک نزدیک دمش غده ای طبیعی دارد که حاوی روغن خاصی است که آن را روی بدنش پخش می کند، پس بدنش از آب تأثیر نمی پذیرد.

کالبر شکاف: «تَحْتَوِي» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «إفْتعال» است. • کلمه «زَيْت» صحیح است نه «زیت». • «تَنْشُرُهُ» فعل مضارع، ثلاثی مجرد، معلوم است. • «يَتَأَثَّرُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «تَفَعُّل» است. (تَأَثَّرَ - يَتَأَثَّرُ - تَأَثَّرَ)

■ لغات مشابه: «ذَنْب: گناه» / «ذَنْب: دُم»

تَسْتَطِيعُ الْجَرَباءُ أَنْ تُدِيرَ عَينَها فِي أَتْجَهاةٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَها وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُرَى فِي أَتْجَهاةٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

فعل فاعل فعل و فاعل مفعول م. إليه ج. م. صفت فعل و فاعل مفعول م. إليه مبتدا فعل ج. م. صفت

ترجمه آفتاب پرست می تواند چشمانش را در جهت های مختلف بچرخاند بدون آن که سرش را حرکت دهد در

حالی که او می تواند در یک زمان (هم زمان)، در دو جهت ببیند.

کالبر شکاف: «تُدِيرَ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «إفعال» است. (أدار - يُدير - إدارة)

• اسامی مثنی و جمع مذکر در حالت اضافه، نونشان حذف می شود. (عَينَین + ها - عَینِها)

• «إِتْجَها» مصدر ثلاثی مزید از باب «إفْتعال» است.

• «تُحَرِّكُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «تَفَعِيل» است.

• «وَاحِد» عدد اصلی، اسم فاعل از ثلاثی مجرد است.

• «تَسْتَطِيعُ» دومی، خبر «هی» است.

لَا تُنْهَضُ عَينُ الْبُومَةِ، فَإِنَّها ثابِتَةٌ، وَلَكِنَّها تُعَوِّضُ هَذَا النِّقصَ بِتَحْريكِ رَأْسِها فِي كُلِّ جَهاةٍ

فعل فاعل م. إليه فعل و فاعل مفعول وایسته ج. م. م. إليه مبتدا فعل ج. م. م. إليه

ترجمه چشم جغد حرکت نمی کند، زیرا ثابت است، اما او این نقص را با حرکت دادن سرش در هر جهتی جبران می کند.

کالبر شکاف: «تُنْهَضُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «تَفَعُّل» است. • «ثابِتَةٌ» اسم فاعل از ثلاثی مجرد است. • «تُعَوِّضُ» فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «تَفَعِيل» است. • «تَحْريك» مصدر و ثلاثی مزید از باب «تَفَعِيل» است. • از نظر حرکت، کلمه «جَهاة» صحیح است نه «جَهاة».

وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَها مِثْثَینِ وَ سَبْعَینِ دَرَجَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَها.

فعل و فاعل فعل و فاعل مفعول م. إليه قید فعل و فاعل مفعول م. إليه

ترجمه و می تواند که سرش را ۲۷۰ درجه بچرخاند بدون آنکه بدنش را حرکت دهد.

کالبر شکاف: «سَبْعَینَ» از اعداد عقود و جمع مذکر سالم است.

حل و بدرسی تمارین

تمارین متن درس



عَيْنُ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. (X) (✓)

ترجمه جمله درست و نادرست را براساس حقیقت و واقعیت مشخص کن.

۱- لِلزَّرَافَةِ صَوْتُ يُحَذِّرُ الْخَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَغِدَ عَنِ الْخَطَرِ. (X)

ترجمه زرافه صدایی دارد که به حیوانات هشدار می دهد تا از خطر دور شوند.

۲- تُحَوِّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ. (✓)

ترجمه ماهی های نورانی، تاریکی دریا را به یک روز نورانی تبدیل می کنند.

۳- تَسْتَطِيعُ الْجُرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ. (X)

ترجمه آفتاب پرست دو چشم خود را در یک سمت می چرخاند.

۴- لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدِيدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا. (✓)

ترجمه زبان گربه پر از غده هایی است که مایعی پاک کننده ترشح می کند.

۵- لَا تَعِيشُ خَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ. (X)

ترجمه حیوانات آبی در اعماق اقیانوس زندگی نمی کنند.

۶- يَتَخَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ. (X)

ترجمه سر جغد در یک جهت حرکت می کند.

اختبار نفسک (۱)



عَيْنُ الْجُمْلَةِ الْفِعْلِيَّةِ وَ الْإِسْمِيَّةِ، ثُمَّ عَيْنُ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُثَلَوَّةِ.

ترجمه جمله فعلیه و اسمیه را مشخص کن، سپس محل اعراب (نقش) کلمه های رنگی را مشخص کن.

۱- «يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ» (التور: ۲۴)

ترجمه خدا برای مردم مثال ها می زند.

پاسخ جمله فعلیه / الله: فاعل، الأمثال: مفعول

۲- إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غَضَةٌ. (أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ)

ترجمه از دست دادن فرصت اندوه است.

پاسخ جمله اسمیه / إضاعة: مبتدا، غصة: خبر

نکته نهایی: گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و نیز فاعل و مفعول، «صفت یا مضاف الیه» می گیرند و خودشان موصوف و مضاف می شوند.

مثال: صُدُورُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ. سینه های آزادگان گورهای رازهاست.

مبتدا م. الیه خبر م. الیه

يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمُجِدُّ أَشْجَارَ التَّفَاحِ. کشاورز کوشا درختان سیب می کارد.

فعل فاعل صفت مفعول م. الیه

اختبار نفسک (۲)

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَ الْخَبَرِ وَ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ فِي الْكَلِمَاتِ الْمُثَلَوَّةِ.

ترجمه احادیث را ترجمه کن، سپس مبتدا و خبر و فاعل و مفعول را در کلمه های رنگی مشخص کن.

۱- الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ)

پاسخ حسد، خوبی ها را می خورد؛ همان طور که آتش، هیزم را می خورد. / الْحَسَدُ: مبتدا - النَّارُ: فاعل - الْحَطَبُ: مفعول

۲- مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ)

پاسخ خداوند چیزی بهتر از عقل برای بندگان قسمت نکرد. / الله: فاعل - شَيْئًا: مفعول

۳- ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَقْلِ. (أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ)

پاسخ نتیجه علم، اخلاص در عمل است. / ثَمَرَةُ: مبتدا - إِخْلَاصُ: خبر



جَوَّارُ (مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ)

با راننده تاکسی

سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ

ترجمه راننده تاکسی

السَّائِقُ

ترجمه گردشگر

﴿أَنَا فِي خِدْمَتِكُمْ، تَفَضَّلُوا.﴾

ترجمه من در خدمت شما هستم، بفرمایید.

﴿أَتَيْهَا السَّائِقُ، تُرِيدُ أَنْ تَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ.﴾

ترجمه ای راننده، می‌خواهیم به مدائن برویم.

﴿أَطْلُنِ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَثَلَاثِينَ كِيلُومِترًا. عَجِيبٌ! لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟﴾

ترجمه گمان می‌کنم سی و هفت کیلومتر. عجیب است؛ چرا به مدائن می‌روید؟

﴿كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟﴾

ترجمه مسافت از بغداد تا آنجا چقدر است؟

﴿لَأنَّه لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزُّوَّارِ.﴾

ترجمه برای اینکه جز تعداد اندکی از زائران به مدائن نمی‌روند.

﴿لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سُلَيْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طَاقِ كَسْرَى؛ لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟﴾

ترجمه برای زیارت مرقد سلمان فارسی و دیدن طاق کسری؛ چرا تعجب می‌کنی؟

﴿زِيَارَةُ مَقْبُولَةٍ لِلْجَمِيعِ! أَتَعْرِفُ مَنْ هُوَ سُلَيْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟﴾

ترجمه زیارت همه قبول باشد! آیا می‌دانی سلمان فارسی کیست یا نه؟

﴿فِي الْبِدَايَةِ تَشَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعُتْبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمَدِينِ الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجَفِ وَ سَامَرَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ.﴾

ترجمه در ابتدا به زیارت عتبات مقدس در شهرهای چهارگانه

(کربلا، نجف، سامرا و کاظمین) مشرف شدیم.

﴿أَحْسَنْتَ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنْ طَاقِ كَسْرَى؟﴾

ترجمه آفرین! آیا معلوماتی درباره طاق کسری داری؟

﴿نَعَمْ! أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ وَ أَصْلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ.﴾

ترجمه بله؛ او را می‌شناسم، همانا او از یاران پیامبر (ص) و اصل او

از اصفهان است.

﴿مَا شَاءَ اللَّهُ! بَارَكَ اللَّهُ فَيْكَ! مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ!﴾

ترجمه ماشاءالله! آفرین بر تو! معلومات تو زیاد است!

﴿بِالتَّأَكِيدِ؛ إِنَّهُ أَخَذَ قُصُورَ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. قَدْ أَنْشَدَ﴾

شاعران کبیران قصیدتین عند مشاهدتهما ایوان کسری؛

الْبُحْثَرِيُّ مِنْ أَكْبَرِ شُعَرَاءِ الْعَرَبِ، وَ خَاقَانِيُّ، الشَّاعِرُ الْإِيرَانِيُّ.﴾

ترجمه البته؛ قطعاً آن یکی از قصرهای پادشاهان ساسانی قبل از

اسلام است. دو شاعر بزرگ، هنگام بازدیدشان از ایوان کسری دو قصیده

سروده‌اند؛ بحتری از بزرگ‌ترین شاعران عرب و خاقانی شاعر ایرانی.

التَّحْمِيزُ الْأَوَّلُ

﴿أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟﴾

ترجمه چه کلمه‌ای از کلمه‌های لغت نامه با توضیح‌های زیر متناسب است؟

۱- طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يُخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.

ترجمه پرنده‌ای است که در مکان‌های متروکه زندگی می‌کند. در روز می‌خوابد و در شب بیرون می‌رود. **پاسخ** أَلْبُوم: جغد

۲- عُضْوٌ خَلْفَ جِسْمِ الْخَيَوانِ يُخَرِّكُهُ غَالِبًا لِطَرْدِ الْخَشَرَاتِ.

ترجمه عضوی در پشت بدن حیوان که معمولاً آن را برای راندن حشرات حرکت می‌دهد. **پاسخ** الذَّنْب: دم

۳- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَقِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءً.

ترجمه گیاهانی مفید که از آن‌ها مانند دارو برای درمان استفاده می‌کنیم. **پاسخ** الأعشاب الطَّيِّبَةُ: گیاهان دارویی



۴- طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبُرِّ وَالْمَاءِ.

ترجمه پرنده‌ای که در خشکی و آب زندگی می‌کند. **پاسخ** البَطّ: اردک

۵- غَدَمٌ وَجُودِ الضُّوءِ.

ترجمه نبود نور **پاسخ** الظلام: تاریکی

۶- نَشْرُ النُّورِ.

ترجمه انتشار نور **پاسخ** الإنارة: نورانی کردن

التَّمْدِينُ الثَّانِي

عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَالْمُتَضَادَّةِ. (=)

ترجمه کلمه‌های مترادف و متضاد را مشخص کن.

سَلَمٌ = حَرْبٌ صلح جنگ	اسْتِطَاعٌ = قَدْرٌ توانست
إِحْسَانٌ = إِسَاءَةٌ نیکی بدی	إِقْتَرَبَ = ابْتَعَدَ نزدیک شد دور شد
ظِلَامٌ = ضِيَاءٌ تاریکی روشنائی	بَنَى = صَنَعَ ساخت
نُورٌ = ضَوْءٌ نور	غَدَاوَةٌ = صَدَاقَةٌ دشمنی دوستی
حُجْرَةٌ = عُرْفَةٌ اتاق	غَيْمٌ = سَحَابٌ ابر
قَرَبٌ = بَعْدٌ نزدیک شد دور شد	يَبْشُرُ = عَيْنٌ چشمه
مِنْ فَضْلِكَ = زَجَاءٌ لطفاً	فَرَحٌ = حَزِينٌ خوشحال ناراحت
جَاهِزٌ = حَاضِرٌ آماده	غُصَّةٌ = حُزْنٌ اندوه

التَّمْدِينُ الثَّالِثُ

اُكْتُبْ اسْمَ كُلِّ صُورَةٍ فِي الْفَرَاغِ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

ترجمه اسم هر تصویر را در جای خالی بنویس، سپس مواردی را که از تو خواسته شده است، مشخص کن.

(الْبَطُّ / الْكِلَابُ / الْغُرَابُ / الطَّاوُوسُ / الْجُرْبَاءُ / الْبَقَرَةُ)

(اردک سگ‌ها کلاغ طاووس آفتاب‌پرست گاو)



ذَنَبُ الطَّاوُوسِ جَمِيلٌ.

دُم طاووس زیباست.

المُضَافُ إِلَيْهِ: الطَّاوُوسِ



يُرْسِلُ الْغُرَابُ أَخْبَارَ الْغَايَةِ.

کلاغ خبرهای جنگل را می‌فرستد.

المَفْعُولُ: أَخْبَارَ



تُعْطِي الْبَقَرَةُ الْحَلِيبَ.

گاو شیر می‌دهد.

الْفَاعِلُ: الْبَقَرَةُ



الْبَيْضُ طَائِرٌ جَمِيلٌ.

اردک پرندهٔ زیبایی است.

الْخَيْرُ: طَائِرٌ



الشَّرْطِيُّ يَحْفَظُ الْأَمْنَ بِالْكِلَابِ.

پلیس، امنیت را با سگ‌ها حفظ می‌کند.

الْمُبْتَدَأُ: الشَّرْطِيُّ



الْجَرَبَاءُ ذَاتُ عُيُونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.

آفتاب‌پرست چشمانی متحرک دارد.

الْصُّفَةُ: مُتَحَرِّكَةٌ

التَّمْدِينُ الرَّابِعُ

عَيْنُ الْفَاعِلِ وَالْمَفْعُولِ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

ترجمه فاعل و مفعول را از کلمه‌های رنگی مشخص کن.

۱- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ (الْفَتْح: ۲۶)

ترجمه پس خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و مؤمنان نازل کرد. **پاسخ** الله: فاعل - سَكِينَةً: مفعول

۲- ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ (الْأَعْرَاف: ۱۸۸)

ترجمه من برای خودم مالک سود و زیانی نیستم، جز آنچه خدا بخواهد. **پاسخ** نَفْعًا: مفعول

۳- ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ﴾ (يَس: ۷۸)

ترجمه و برای ما مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرد. **پاسخ** مَثَلًا: مفعول

۴- ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ (الْكَهْف: ۴۹)

ترجمه و پروردگارت به کسی ظلم نمی‌کند. **پاسخ** رَبُّ: فاعل

۵- ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ﴾ (الْبَقَرَة: ۱۸۵)

ترجمه و خداوند برای شما آسانی می‌خواهد. **پاسخ** الله: فاعل - الْيُسْرَ: مفعول

التَّمْدِينُ الْخَامِسُ

عَيْنُ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ فِي الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

ترجمه مبتدا و خبر را در احادیث زیر مشخص کن.

۱- أَلْتَنْدُمُ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ التَّنَدُّمِ عَلَى الْكَلَامِ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ)

ترجمه پشیمانی از سکوت کردن، بهتر از پشیمانی از سخن گفتن است. **پاسخ** أَلْتَنْدُمُ: مبتدا - خَيْرٌ: خبر

۲- أَكْبَرُ الْخُفَى الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمِّ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ)

ترجمه بزرگ‌ترین حماقت، زیاده‌روی در ستایش و سرزنش است. **پاسخ** أَكْبَرُ: مبتدا - الْإِغْرَاقُ: خبر

۳- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ)

ترجمه رئیس قوم، خدمتگزار آن‌ها در سفر است. **پاسخ** سَيِّدُ: مبتدا - خَادِمُ: خبر

۴- أَلْعِلْمُ صَيْدٌ وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ)

ترجمه دانش [مانند] شکار است و نوشتن [در] بند [کردن آن] است. **پاسخ** أَلْعِلْمُ: مبتدا - صَيْدٌ: خبر / الْكِتَابَةُ: مبتدا - قَيْدٌ: خبر

۵- الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ)

ترجمه نماز کلید هر خوبی است. **پاسخ** الصَّلَاةُ: مبتدا - مِفْتَاحُ: خبر

• • • • • التَّهْمِينُ السَّادِسُ • • • • •



﴿تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ الثَّانِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمُخَلَّ الإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ﴾

ترجمہ جملہ های زیر را ترجمہ کن، سپس نقش اعرابی کلمہ های رنگی را مشخص کن.

۱- ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ (البقرة: ۴۴)

پاسخ آیا مردم را به نیکی امر می کنی و خودتان را فراموش می کنی؟ / الناس، أنفس: مفعول

۲- ﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (البقرة: ۲۸۶)

پاسخ خداوند کسی را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند. / الله: فاعل - نفساً: مفعول

۳- ﴿صَدْرُ الْعَاقِلِ، صُنْدُوقُ سِرِّهِ﴾ (الإمام علیؑ)

پاسخ سینۀ عاقل، صندوق راز اوست. صدر: مبتدا / العاقل: مضاف الیه / صندوق: خبر / سر: مضاف الیه

۴- ﴿حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتَرْقُبُ النَّسَبَ﴾ (الإمام علیؑ)

پاسخ خوبی ادب، زشتی اصل و نسب را می پوشاند. / الأدب: مضاف الیه - قُب: مفعول

۵- ﴿عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ ضِدَاقَةِ الْجَاهِلِ﴾ (الإمام علیؑ)

پاسخ دشمنی عاقل، بهتر از دوستی نادان است. / عداوة: مبتدا - الجاهل: مضاف الیه

• • • • • أَنْوَارُ الْقُرْآنِ • • • • •

﴿كَمَلِ الْفَرَاحَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ﴾

ترجمہ جاہای خالی را در ترجمہ فارسی کامل کن.

۱- ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ (آل عمران: ۱۸۵)

ترجمہ ہر کسی چشندہ مرگ است. (می میرد)

۲- ﴿... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

ترجمہ و درباره آفرینش آسمان ها و زمین اندیشہ می کنند؛

۳- ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

ترجمہ [و می گویند:] ای پروردگار ما، این ها را بیہودہ نیافریدی؛

۴- ﴿سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾

ترجمہ تو پاکی؛ ما را از شکنجہ آتش (جہنم) نگاہ دار؛

۵- ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾

ترجمہ پروردگارا، ہر کہ را تو بہ آتش افکنی، او را خوار ساختہ ای، و ستمگران، هیچ یاورِ ندارند؛

۶- ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾ (آل عمران: ۱۹۳-۱۹۱)

ترجمہ ای پروردگار ما، قطعاً ما صدای پیام دہندہ را شنیدیم کہ بہ ایمان دعوت می کرد کہ بہ پروردگارتان، ایمان بیاورید و ما ایمان آوردیم.

سؤالات امتحانی

لغات (۱۲۳ سؤال)

(۴۱ سؤال)

ترجمہ واژه

۱) ترجم الکلمات التي تحتها خط:

۱۲۹۹. نشاهدُ أعماقَ المحيطِ.

۱۳۰۰. نستطيعُ فيه التقاطَ صورٍ.

۱۳۰۱. لسانُ القِطِّ سلاحٌ طيِّبٌ.

۱۳۰۲. يَلْعَقُ القِطُّ جُرْحَهُ.

۱۳۰۳. تُعرِفُ الحيواناتُ الأعشابَ الطَّيِّبَةَ.

۱۳۰۴. قَدْ دَلَّتِ الحيواناتُ الإنسانَ.

۱۳۰۵. لِلنَّيْطَةِ غَدَةٌ طَبِيعِيَّةٌ.

۱۳۰۶. أَتَأْكُلِينَ زَيْتًا خَاصًّا؟

۱۳۰۷. الجِرْبَاءُ عَجِيبٌ جِدًّا.

۱۳۰۸. لَا تَتَخَرَّكُ عَيْنُ البُومَةِ.



١٣٠٩. أَحْسَنْتُ، وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ أُخْرَى؟
 ١٣١٠. قَدْ أَنْشَدَ شِعْرَاءُنَا قَصَائِدَ.
 ١٣١١. تُعْطَى الْبَقْرَةُ الْخَلِيبَ.
 ١٣١٢. ذَنْبُ الظَّالِمِ جَمِيلٌ.
 ١٣١٣. قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ.
 ١٣١٤. كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ؟
 ١٣١٥. شَاهَدْنَا مَصَابِيحَ مُلَوَّنَةً.
 ١٣١٦. يَنْبَعْتُ ضَوْءُ الْأَسْمَاكِ فِي الْمَحِيطِ.
 ١٣١٧. هَذَا الضَّوُّ يُخَوِّلُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ.
 ١٣١٨. هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ نَسْتَفِيدَ مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيَّةِ.
 ١٣١٩. إِنَارَةٌ مُدْنِنَا صَغْبٌ جِدًّا.
 ١٣٢٠. رُبَّمَا اسْتَطِيعُ أَنْ أَذْهَبَ.
 ١٣٢١. بَعْضُ الْحَيَوَانَاتِ تَمْلِكُ غُدَدًا تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا.
 ١٣٢٢. يَا بِنْتُ إِسْرَاحِي حَتَّى يَلْتَنِّمَ جُرْحَكَ.
 ١٣٢٣. تَسْتَغْمِلُ الْحَيَوَانَاتُ الْأَعْشَابَ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ.
 ١٣٢٤. أَنَا أَعْرِفُ الثِّبَاتَاتِ الْبَرْيَّةَ.

١٣٢٥. أَنْتُمْ تَتَفَاهَمُونَ مَعَ بَعْضِكُمْ جَيِّدًا.
 ١٣٢٦. أَخَذَرَكِ حَتَّى تَتَبَعَدَ سَرِيعًا.
 ١٣٢٧. أَنْظُرْ إِلَى هَذِهِ الْجَوَاسِيْسِ.
 ١٣٢٨. انْتَشَرَ سَائِلٌ تَنْشُرُهُ.
 ١٣٢٩. لَا يَتَأَثَّرُ جِسْمُ الْبَطِّ بِالْمَاءِ.
 ١٣٣٠. هَلْ تَسْطِيعُ أَنْ تُدِيرَ يَدَكَ؟
 ١٣٣١. لَا تُحَرِّكِي جِسْمًا لَا يَنْحَرِّكُ.
 ١٣٣٢. إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غَضَّةٌ.
 ١٣٣٣. تَأْكُلُ النَّارُ الْخَطْبَ.
 ١٣٣٤. رَأَيْتُ أَحَدَ قُصُورِ السَّاسَانِيِّينَ.
 ١٣٣٥. أُخْتِي الصَّغِيرَةُ تَنَامُ كَثِيرًا.
 ١٣٣٦. أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَةً عَلَيْنَا.
 ١٣٣٧. يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ.
 ١٣٣٨. يَا رَبِّي، فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.
 ١٣٣٩. الْقَطُّ يَلْعَقُ جُرْحَهُ بِلسَانِهِ حَتَّى يَلْتَنِّمَ.

(شبه نهایی فروردین ۱۴۰۳)

(۴۵ سؤال)

شناخت مفرد و جمع مکسر

٢. اکتب مفرد أو جمع الكلمات التالية:

١٣٤٠. نَفْسٌ:
 ١٣٤١. مَدِينَةٌ:
 ١٣٤٢. أَنْصَارٌ:
 ١٣٤٣. الْجُمْلُ:
 ١٣٤٤. صَدْرٌ:
 ١٣٤٥. الْعَاقِلُ:
 ١٣٤٦. أَمْثَالٌ:
 ١٣٤٧. حَدِيثٌ:
 ١٣٤٨. عُلُومٌ:
 ١٣٤٩. مِفْتَاحٌ:
 ١٣٥٠. صُورٌ:
 ١٣٥١. خَبَرٌ:
 ١٣٥٢. رَسُولٌ:
 ١٣٥٣. صَنَادِيقٌ:
 ١٣٥٤. نَفْسٌ:
 ١٣٥٥. نُفُوسٌ:
 ١٣٥٦. مَفَاتِيحٌ:
 ١٣٥٧. عَيْنٌ:
 ١٣٥٨. أَمَاكِينٌ:
 ١٣٥٩. مَلِكٌ:
 ١٣٦٠. مَدَائِنٌ:
 ١٣٦١. حُرٌّ:
 ١٣٦٢. بَيْسَرٌ:
 ١٣٦٣. قَبْرٌ:
 ١٣٦٤. جِسْمٌ:

٣. عین الضحیح فی المفرد أو الجمع:

١٣٦٥. جمع «كَلْبٌ»:
 ١٣٦٦. جمع «غَيْمٌ»:
 ١٣٦٧. مفرد «طَيُورٌ»:
 ١٣٦٨. مفرد «أَجْسَامٌ»:
 ١٣٦٩. جمع «دَوَاءٌ»:
 الف (أَكْلَابٌ) ☐
 الف (غَيْمٌ) ☐
 الف (طَيْرٌ) ☐
 الف (جِشْمٌ) ☐
 الف (ادَوَاءٌ) ☐
 ب (كِلَابٌ) ☐
 ب (غُيُومٌ) ☐
 ب (طَيْرَانٌ) ☐
 ب (تَجَسُّمٌ) ☐
 ب (أَذْوِيَّةٌ) ☐

١٣٧٠. مفرد «مراقِد»:	☐ الف) مرقود	☐ ب) مرقَد
١٣٧١. مفرد «أصحاب»:	☐ الف) صُحاب	☐ ب) صُبَح
١٣٧٢. جمع «قُصر»:	☐ الف) أقصار	☐ ب) قُصور
١٣٧٣. مفرد «شُعراء»:	☐ الف) شُعور	☐ ب) شاعِر
١٣٧٤. مفرد «زُيوت»:	☐ الف) زَيْت	☐ ب) أزيات
١٣٧٥. جمع «شاعِرَة»:	☐ الف) شاعِرات	☐ ب) شواعِر
١٣٧٦. مفرد «أذُناب»:	☐ الف) ذَنْب	☐ ب) ذَنْب
١٣٧٧. جمع «ذَنْب»:	☐ الف) أذُناب	☐ ب) ذُنوب
١٣٧٨. جمع «ضُوء»:	☐ الف) أضواء	☐ ب) وُضوء
١٣٧٩. مفرد «أصوات»:	☐ الف) صَوْت	☐ ب) صَوَة
١٣٨٠. جمع «جاسوس»:	☐ الف) جَواسيس	☐ ب) جَواسيس
١٣٨١. جمع «خاض»:	☐ الف) خَواض	☐ ب) مَخصوص
١٣٨٢. مفرد «أعشاب»:	☐ الف) عُشب	☐ ب) عَشَب
١٣٨٣. جمع «مُصباح»:	☐ الف) صَباح	☐ ب) مَصابيح
١٣٨٤. مفرد «أسماك»:	☐ الف) سَمَك	☐ ب) سَمَكَة

(٣١ سؤال)

متضاد و مترادف

٤. أكتب المترادف أو المتضاد للكلمات التالية:

١٣٨٥. ضُوء =	١٣٩١. سائر =
١٣٨٦. ضُوء ≠	١٣٩٢. يَسْتَطِيعُ =
١٣٨٧. نَهَار ≠	١٣٩٣. غُصَة =
١٣٨٨. العالم ≠	١٣٩٤. طاق =
١٣٨٩. تَحْتَ ≠	١٣٩٥. يَسْكُنُ =
١٣٩٠. عامّة ≠	١٣٩٦. جَمِيل ≠

٥. ضَع علامةً مُناسبةً في الفراغ (=):

١٣٩٧. قِيد ☐ خَبِل	١٤٠٠. صِدْق ☐ كَذِب
١٣٩٨. غَنِم ☐ سَحَاب	١٤٠١. نُفَايَة ☐ رُبَايَة
١٣٩٩. حُجْرَة ☐ غُرْفَة	١٤٠٢. خَلَف ☐ وَرَاء

٦. عَيِّن الصَّحيح في التَّضاد والتَّرادف:

١٤٠٣. مترادف لِكَلِمَة «إِسْطَاطَع»:	☐ الف) جَلَب	☐ ب) قَدَر
١٤٠٤. متضاد لِكَلِمَة «إِقْتَرَب»:	☐ الف) اِبْتَعَدَ	☐ ب) بَعَدَ
١٤٠٥. مترادف لِكَلِمَة «بَنَى»:	☐ الف) صَنَعَ	☐ ب) سَكَنَ
١٤٠٦. متضاد لِكَلِمَة «يَسْلَم»:	☐ الف) حَرَب	☐ ب) قَتَلَ
١٤٠٧. مترادف لِكَلِمَة «مِنْ فَضْلِكَ»:	☐ الف) رَجَاء	☐ ب) رَجَاء
١٤٠٨. مترادف لِكَلِمَة «جَاهِزًا»:	☐ الف) حُضَار	☐ ب) حَاضِر
١٤٠٩. متضاد لِكَلِمَة «قُرْب»:	☐ الف) بَعْدَ	☐ ب) بُعِدَ
١٤١٠. متضاد لِكَلِمَة «ظَلام»:	☐ الف) نور	☐ ب) وُضوء
١٤١١. متضاد لِكَلِمَة «فَرَح»:	☐ الف) حُزَن	☐ ب) حَزَنَ
١٤١٢. مترادف لِكَلِمَة «فَرِح»:	☐ الف) مُصِرَّ	☐ ب) مَسْرور
١٤١٣. متضاد لِكَلِمَة «فَرِح»:	☐ الف) حُزَن	☐ ب) حَزَنَ
١٤١٤. متضاد لِكَلِمَة «غَالِبًا»:	☐ الف) أحياناً	☐ ب) كاملاً
١٤١٥. مترادف لِكَلِمَة «جَمِيع»:	☐ الف) النَّاس	☐ ب) كُلُّ



(٦ سؤال)

كلمة ناهما هنگ

٧ عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى:

١٤١٦. الصُّور - البَطْ - القَطْ - الجِرْبَاءُ:
 ١٤١٧. الجِرْبَاءُ - البَقْرَةُ - القَطْ - البَطْ:
 ١٤١٨. رَأْسٌ - ذَنْبٌ - زَيْتٌ - عَيْنٌ:
 ١٤١٩. دَلٌّ - سَائِقٌ - سَيَّارَةُ الْأَجْرَةِ - سَائِحٌ:
 ١٤٢٠. صُنْدُوقٌ - مِفْتَاحٌ - يُشِيرُ - مِصْبَاحٌ:
 ١٤٢١. أَلْضَوْءُ - الضِّيَاءُ - الظَّلَامُ - النُّورُ:

ترجمة جملات (٩٤ سؤال)

(٥٧ سؤال)

ترجمة جملات

٨ ترجم الجمل والعبارات التالية:

١٤٢٢. نُحَوِّلُ ظَلَامَ الْبَحْرِ.
 ١٤٢٣. مَنْ ظَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ وَجَدَ.
 ١٤٢٤. رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ.
 ١٤٢٥. يَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ.
 ١٤٢٦. لِلْغُرَابِ صَوْتٌ يُخَذِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ.
 ١٤٢٧. لَا يَتَأَثَّرُ جِسْمُهَا بِالْمَاءِ.
 ١٤٢٨. هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي إِتْجَاهَيْنِ.
 ١٤٢٩. تُعَوِّضُ الْبُومَةُ هَذَا النَقْصَ.
 ١٤٣٠. لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدِيدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا.
 ١٤٣١. صُدُورُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ.
 ١٤٣٢. مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ.
 ١٤٣٣. أَطْلُنُ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَثَلَاثِينَ كِيلُومِتْرًا.
 ١٤٣٤. قَدْ أَنْشَدَ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مَشَاهِدَتِهِمَا إِيوَانَ كِسْرَى.
 ١٤٣٥. هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ أُخْرَى عَنْ مَدِينَةِ مَدَائِنَ؟
 ١٤٣٦. يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ.
 ١٤٣٧. الْإِلْمُ صَيِّدٌ وَ الْكِتَابَةُ قَيْدٌ.
 ١٤٣٨. لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ.
 ١٤٣٩. صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقٌ سِرٌّ.
 ١٤٤٠. لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا.
 ١٤٤١. ﴿تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾
 ١٤٤٢. اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ.
 ١٤٤٣. اللَّهُ غَافِرُ الذُّنُوبِ.
 ١٤٤٤. فَانْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ؟
 ١٤٤٥. هَذَا خَلْقُ اللَّهِ.
 ١٤٤٦. الْغَوَاصُونَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمَحِيطِ لِيَلَا.
 ١٤٤٧. شَاهَدْنَا مَنَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمَلُونَةَ.
 ١٤٤٨. يَسْتَطِيعُ الْغَوَاصُونَ الْتِقَاطَ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ.
 ١٤٤٩. اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ انْبِعَاطَ الْأَضْوَاءِ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ.
 ١٤٥٠. أَسْتَعِينُ بِاللَّهِ فِي دُرُوسِي.
 ١٤٥١. لِسَانُ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِئِي.
 ١٤٥٢. إِنْ عُيُونِي تُفَرِّزُ دُمُوعًا مِنَ الْفَرَحِ.
 ١٤٥٣. تُغْرِفُ الظُّيُورُ بَغْرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّبِئِيَّةَ.
 ١٤٥٤. قَدْ دَلَّتِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى خَوَاصِّ النَّبَاتَاتِ.
 ١٤٥٥. أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ تَمْلِكُ لُغَةً خَاصَّةً.
 ١٤٥٦. هُوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنَ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.
 ١٤٥٧. لِلْبَطَّةِ غُدَّةٌ طَبِئِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا.
 ١٤٥٨. تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا.
 ١٤٥٩. لَا تَتَخَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ.
 ١٤٦٠. تُدِيرُ الْبُومَةُ رَأْسَهَا مِثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دُونَ تَحْرِيكِ جَسْمِهَا.
 ١٤٦١. يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ.
 ١٤٦٢. تُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدِينَةِ.
 ١٤٦٣. هَذَا جَوَارٌ مَعَ سَائِقِي سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ.
 ١٤٦٤. أَتَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟
 ١٤٦٥. الْجِرْبَاءُ ذَاتُ عَيْنَيْنِ مُتَخَرِّكَتَيْنِ.
 ١٤٦٦. لَا يَظْلُمُ رَيْكَ أَحَدًا.
 ١٤٦٧. وَ ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ.
 ١٤٦٨. سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ.
 ١٤٦٩. النَّدَمُ عَلَى السَّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ النَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ.
 ١٤٧٠. اكْبَرُ الْحُمُقِ الْإِعْرَاقِيُّ فِي الْمَدْحِ وَ الدُّمِ.
 ١٤٧١. حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتَرُّ قُبْحَ النَّسَبِ.
 ١٤٧٢. عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنَ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
 ١٤٧٣. عَدُوٌّ عَاقِلٌ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ جَاهِلٍ.
 ١٤٧٤. كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ.
 ١٤٧٥. رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا.
 ١٤٧٦. رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ.
 ١٤٧٧. مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ.
 ١٤٧٨. إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ.

(۳۷ سؤال)

ترجمة افعال و مصادر

۹ ترجم الأفعال و المصادر التالية:

۱۴۷۹. لا تُكَلِّف:	۱۴۹۵. يَتَفَكَّرُونَ:
۱۴۸۰. ما أُنْزِلَتْ:	۱۴۹۶. ما سَتَرْتُ:
۱۴۸۱. لَا تَظْلِمُوا:	۱۴۹۷. يَسْتُرْنَ:
۱۴۸۲. أَعِشْ:	۱۴۹۸. لَا تُسْتَرُوا:
۱۴۸۳. تَفَضَّلُوا:	۱۴۹۹. أُسْتُرْنَ:
۱۴۸۴. إِضَاعَةٌ:	۱۵۰۰. سَتَشْتُرُ:
۱۴۸۵. اِئْتَعِذْهُمْ:	۱۵۰۱. كُنْتُ تَسْتُرِينَ:
۱۴۸۶. أَدَارُوا:	۱۵۰۲. مَا كَانُوا يَسْتُرُونَ:
۱۴۸۷. اِمْتِلَاك:	۱۵۰۳. كَانَ لَا يَسْتُرُ:
۱۴۸۸. لَا تَتَأَثَّرُ:	۱۵۰۴. أُسْتُرُوا:
۱۴۸۹. تَخَرَّكُوا:	۱۵۰۵. لَا تَسْتُرُ:
۱۴۹۰. تُخَرِّكُونَ:	۱۵۰۶. سَوْفَ تَسْتُرْنَ:
۱۴۹۱. خَرَّكُوا:	۱۵۰۷. مَا سَتَرْتُمَا:
۱۴۹۲. تُخَرِّكُ:	۱۵۰۸. سَتَرْنَا:
۱۴۹۳. سَيَعُوْضُنَ:	۱۵۰۹. أُسْتُرُ:
۱۴۹۴. تَحْرِيك:	۱۵۱۰. لَا تَسْتُرِي:

(شبه نهایی فروردين ۱۴۰۳)

(۵ سؤال)

انتخاب ترجمه درست

۱۰ انتخب الترجمة الصحيحة:

۱۵۱۱. «في البداية تشرفنا بزيارة العتبات المقدسة»:
☐ الف) در شروع به زیارت عتبات مقدس، مشرف شدیم.
☒ ۱۵۱۲. «لا يذهب هناك إلا قليل من الزوّار»:
☐ الف) کسی به آنجا نمی رود مگر اندکی از این زائران.
☒ ۱۵۱۳. «هي تستطيع أن ترى في اتجاهين في وقت واحد»:
☐ الف) او می تواند در یک زمان در دو جهت ببیند.
☒ ۱۵۱۴. «البومة تعوض هذا النقص بتحريك رأسها»:
☐ الف) جغد این نقص را با حرکت دادن سرش جبران می کند.
☒ ۱۵۱۵. «شاهدنا مئات المصاييح الملونة تتبع ضوءها»:
☐ الف) هزاران چراغ رنگی دیدیم که نورشان را پخش می کردند.

- ☐ ب) در ابتدای کار به زیارت عتبات مقدسه، مشرف می شویم.
☐ ب) فقط اندکی از زائران به آنجا می روند.
☐ ب) او دو جهت را در زمان واحد می تواند ببیند.
☐ ب) جغدها این نقص را با حرکت کردن سرشان عوض می کنند.
☐ ب) صدها چراغ رنگی دیدیم که نورشان پخش می شد.

درک مطلب (۸ سؤال)

۱۱ اقرأ النصوص التالي ثم أجب عن الأسئلة التالية:

«شَجَّعَ مُدْرِسُ تَلْمِيذِهَا الرَّاسِبَ فَصَارَ تَلْمِيذٌ مِثَالِيٌّ وَ بَعْدَ سَنَوَاتٍ، اسْتَلَمَ الْمُدْرِسُ رِسَالَةً مِنْ تَلْمِيذِهِ، مَكْتُوبًا فِيهَا: أَنْتَ أَفْضَلُ مُعَلِّمٍ شَاهَدْتُهُ فِي حَيَاتِي. أَنْتَ غَيَّرْتَ مَصِيرِي. أَنَا الْآنَ مِهْنَدِسٌ حَادِقٌ. وَ بَعْدَ مَدَّةٍ، اسْتَلَمَ الْمُدْرِسُ رِسَالَةً أُخْرَى مِنَ الْمِهْنَدِسِ حَمِيدٍ (تَلْمِيذُهُ)، ظَلَبَ مِنْهُ الْحُضُورَ فِي حَفْلَةِ زَوَاجِهِ.»

۱۵۱۶. ما اسمُ تلميذٍ شَجَّعَهُ الْمُعَلِّمُ؟
 ۱۵۱۷. ما مهنة التلميذ الآن؟
 ۱۵۱۸. متى استلم المدرس الرسالة الأولى؟
 ۱۵۱۹. كيف كان التلميذ في بداية النص؟

«يَتَبَدُّ الْعَامُ الدِّرَاسِيُّ الْجَدِيدُ وَ يَذْهَبُ تَلَامِيذُ الْقَرْيَةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فَرِحًا. هَذِهِ الْقَرْيَةُ صَغِيرَةٌ وَ جَمِيلَةٌ. يَدْخُلُ الْمُدْرِسُ فِي الصَّفِّ الْخَامِسِ. الصَّفُّ مَزْدَحِمٌ. لِأَنَّ التَّلَامِيذَ يَلْعَبُونَ فِيهِ. يَقُولُ الْمُعَلِّمُ لِلْبَنِينَ: اجْلِسُوا عَلَى الْيَمِينِ وَ هَكَذَا يَقُولُ لِلْبَنَاتِ: اجْلِسْنَ عَلَى الشِّتَارِ. ثُمَّ يَبْدَأُ الْمُعَلِّمُ الدَّرْسَ الْأَوَّلَ.»

۱۵۲۰. كيف يذهب التلاميذ إلى المدرسة؟
 ۱۵۲۱. لِمَ الصَّفُّ مَزْدَحِمٌ؟
 ۱۵۲۲. أَكْتُبْ كَلِمَةً عَلَى وَزْنِ «مَفْعَلَةٌ» فِي النَّصِّ:
 ۱۵۲۳. عَيِّنْ فِعْلًا أَمْرًا لِلْمَخَاطَبَاتِ ثُمَّ تَرْجِمْهُ:



١٣) اُكْتُبِ الْمَحَلَّ الْاِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

١٥٣٢. تُخَوِّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ.

١٥٣٥. لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغُدْدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُظْهِرًا.

١٥٣٦. يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي إِتْجَاهٍ وَاحِدٍ.

١٥٣٧. أَغْلَبُ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى إِمْتِلَاقِهَا لِللُّغَةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً.

١٥٣٨. هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ قَدْ دَلَّتِ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِ الطَّبِئِيَّةِ لِلنَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ.

١٥٣٩. حُسْنُ الْأَدَبِ يَشْتَرُ قُبْحَ النَّسَبِ.

١٥٣٠. كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ.

١٥٣١. عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ.

١٥٣٢. غَدُوٌّ عَاقِلٌ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ جَاهِلٍ.

١٥٣٣. دَنَبُ الطَّائِفِ جَمِيلٌ.

١٥٣٤. تُعْطَى الْبَقَرَةُ الْحَلِيبُ.

١٥٣٥. الْجَرَبَاءُ ذَاتُ عَيُونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.

١٥٣٦. الْبَطُّ طَائِرٌ جَمِيلٌ.

١٥٣٧. الدَّنَبُ عُضْوٌ خَلْفَ جِسْمِ الْحَيَوَانِ.

١٥٣٨. تَسْتَطِيعُ الْجَرَبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي إِتْجَاهٍ وَاحِدٍ.

١٥٣٩. لَا تَعِيشُ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي بَرٍّ جَافٍ.

١٥٤٠. تُنْشَرُ الْبَطُّ زَيْتًا خَاصًّا عَلَى جَسْمِهَا.

١٥٤١. بَعْضُ الطُّيُورِ تَعْرِفُ الْأَعْشَابَ الطَّبِئِيَّةَ.

١٥٤٢. الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى اعْمَاقِ الْمُحِيطِ لِيَلْأَ شَاهِدُوا الْمَصَائِيخَ الْمُلَوَّنَةَ.

١٥٤٣. يَبْزَعُ الْفَلَاحُ الْمُجْدُّ أَشْجَارَ التَّفَاحِ. (شبه نهایی فروردین ۱۴۰۳)

١٥٤٤. سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. (شبه نهایی فروردین ۱۴۰۳)

١٣) اُكْتُبِ مَا طُلِبَ مِنْكَ:

١٥٣٥. عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ.

١٥٣٦. «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»

نَوْعُ الْجُمْلَةِ: / الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ: / الْمُضَافُ إِلَيْهِ:

١٥٣٧. الْبُومَةُ طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ.

نَوْعُ الْجُمْلَةِ: / الْمُبْتَدَأُ: / الْخَبَرُ: / الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ: / الصِّفَةُ:

١٥٣٨. الْأَعْشَابُ الطَّبِئِيَّةُ نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُهَا كَدَوَاءٍ.

نَوْعُ الْجُمْلَةِ: / الصِّفَةُ: / الْمَفْعُولُ: / الْمُبْتَدَأُ: / الْخَبَرُ:

١٥٣٩. فِي الْبِدَايَةِ تَشْرَفُ الرُّؤَاةُ بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ.

نَوْعُ الْجُمْلَةِ: / الْفَاعِلُ: / الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ: / الْمُضَافُ إِلَيْهِ: / الصِّفَةُ:

١٥٤٠. قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ.

الْفِعْلُ الْأَمْرُ: / الْفِعْلُ الْمَاضِي: / الْمَفْعُولُ:

١٥٤١. هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمَعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ.

الْفِعْلُ الْمَضَارِعُ: / الصِّفَةُ: / الْفَاعِلُ:

١٥٤٢. فَيَلْعَقُ الْقِطُّ الْجُرْحَ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَنِّثَ.

نَوْعُ الْجُمْلَةِ: / الْمُضَافُ إِلَيْهِ: / الْمَفْعُولُ: / الْفَاعِلُ:

١٥٤٣. الْغُرَابُ يَمْلِكُ صَوْتًا يُخَذِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ.

نَوْعُ الْجُمْلَةِ: / الْمَفْعُولُ: / الْمُضَافُ إِلَيْهِ:

١٥٤٤. هِيَ تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا.

الْمُبْتَدَأُ: / الْخَبَرُ: / الْمَفْعُولُ: / الْمُضَافُ إِلَيْهِ:

١٥٤٥. الْعِلْمُ صَيِّدٌ وَ الْكِتَابَةُ قَيْدٌ.

الْمُبْتَدَأُ: / الْخَبَرُ:

١٥٤٦. حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتَرُ قُبْحَ النَّسَبِ.

الْمَفْعُولُ: / الْمُضَافُ إِلَيْهِ: / نَوْعُ الْجُمْلَةِ:

١٥٤٧. فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

نَوْعُ الْجُمْلَةِ: / الْمَفْعُولُ: / الْمُضَافُ إِلَيْهِ:

۱۴ رتبہ الكلمات واكتب سؤالاً وجواباً صحيحاً:

۱۵۵۸. المسافة / إلى هناك / من بغداد / كيلومتراً / كم / ثلاثين / أظنّ / ؟ / ۲۰
 ۱۵۵۹. سلمان الفارسي / تذهبون / إلى / لم / مرقد / المدائن / لزيارة / ؟ / ۲۰
 ۱۵۶۰. أعرّفه / أ / تعرّف / أم لا / سلمان الفارسي / من هو / نعم / ؟ / ۲۰
 ۱۵۶۱. إلى المدائن / من الزوّار / تتعجب / لأنه / قليل / لا يذهب / لماذا / إلا / ؟ / ۲۰
 ۱۵۶۲. هل / عن / نعم / لك / طاق / بالتأكيد / معلومات / كسرى / ؟ / ۲۰

۱۵ اكتب بالحروف:

۱۵۶۳. ۵۹
 ۱۵۶۴. ۸۵
 ۱۵۶۵. ۹۶
 ۱۵۶۶. ۲۴
 ۱۵۶۷. ۱۴۷
 ۱۵۶۸. ۲۰۳

۱۶ اكتب العمليات الحسابية بالحروف العربية:

۱۵۶۹. ۱۲ + ۴۳ = ۵۵
 ۱۵۷۰. ۶۲ - ۲۸ = ۳۴
 ۱۵۷۱. ۲۳ × ۳ = ۶۹
 ۱۵۷۲. ۸۴ ÷ ۴ = ۲۱

۱۷ اكتب الساعات بالحروف العربية:

۱۵۷۳. الساعة (۱۱:۰۰)
 ۱۵۷۴. الساعة (۲:۱۵)
 ۱۵۷۵. الساعة (۷:۳۰)
 ۱۵۷۶. الساعة (۴:۴۵)
 ۱۵۷۷. الساعة (۲:۵۰)
 ۱۵۷۸. الساعة (۶:۴۰)

۱۸ اكتب ما طلب منك حول الأفعال:

۱۵۷۹. شاهدوا: ضمير:
 ۱۵۸۰. شاهدن: ضمير:
 ۱۵۸۱. يتبعن: ضمير:
 ۱۵۸۲. تحولين: ضمير:
 ۱۵۸۳. اكتشفنا: ضمير:
 ۱۵۸۴. يمكن: ضمير:
 ۱۵۸۵. أفرز: ضمير:
 ريشه:
 ريشه:
 ريشه:
 ريشه:
 ريشه:
 ريشه:
 ريشه:

۱۹ اكتب الفعل المطلوب:

۱۵۸۶. الماضي من «يَلْتَمِمْ»:
 ۱۵۸۷. الماضي المنفي من «نَسْتَعْمِلُ»:
 ۱۵۸۸. المضارع من «تَفَاهَمْتُ»:
 ۱۵۸۹. المضارع المنفي من «حَذَرُوا»:
 ۱۵۹۰. الأمر من «تَبْتَعِدَانِ»:
 ۱۵۹۱. النهي من «تَتَأَتَرْنَ»:
 ۱۵۹۲. المستقبل من «حَرَكَتَا»:
 ۱۵۹۳. الماضي الإستمراري من «عَوَّضَنْ»:

۲۰ اكتب الفعل المطلوب ثم ترجمه:

۱۵۹۴. الماضي من باب (تقسيم) من صيغة (هي):
 ۱۵۹۵. المضارع من باب (اقتراب) من صيغة (نحن):
 ۱۵۹۶. الأمر من باب (إرسال) من صيغة (أنت):
 ۱۵۹۷. النهي من باب (تفكر) من صيغة (أنت):
 ۱۵۹۸. المستقبل من باب (مكاتبه) من صيغة (هم):
 ۱۵۹۹. الماضي الإستمراري من باب (إحسان) من صيغة (أنا):
 ۱۶۰۰. المضارع المنفي من باب (استغفار) من صيغة (أنتم):
 الترجمة:
 الترجمة:
 الترجمة:
 الترجمة:
 الترجمة:
 الترجمة:
 الترجمة:

(۵ سؤال)

تشخيص كلمة ناهما هنگ از نظر قواعد

۲۱ عین الكلمة الغربية حسب القواعد:

۱۶۰۱. الشكوت - الإغراق - المدح - النفس:
 ۱۶۰۲. بقرة - غابة - بومة - عيون:
 ۱۶۰۳. زوار - مدائن - أمثال - أفضل:
 ۱۶۰۴. اتجاهات - أصوات - أبيات - أموات:
 ۱۶۰۵. سبعين - عشرين - إثنين - ثمانين:



پاسخ سؤالات درس «۵»

۱۳۰۸. حرکت نمی‌کند - جغد	۱۲۹۹. اقیانوس
۱۳۰۹. آفرین بر تو - آیا داری	۱۳۰۰. عکس گرفتن
۱۳۱۰. سروده‌اند	۱۳۰۱. گریه
۱۳۱۱. شیر	۱۳۰۲. می‌لیسد - زخم
۱۳۱۲. دُم	۱۳۰۳. گیاهان دارویی
۱۳۱۳. سیر کنید (حرکت کنید)	۱۳۰۴. راهنمایی کرده‌اند
۱۳۱۴. شروع کرد	۱۳۰۵. اردک
۱۳۱۵. چراغ‌ها - رنگی	۱۳۰۶. روغن (روغنی)
۱۳۱۶. پخش می‌شود	۱۳۰۷. آفتاب‌پرست
۱۳۱۷. دگرگون می‌کند (متحول می‌کند) - نورانی	
۱۳۱۸. که استفاده کنیم	
۱۳۱۹. روشن کردن	
۱۳۲۰. شاید - که بروم	
۱۳۲۱. ترشح می‌کند - مایعی - پاک‌کننده	
۱۳۲۲. تا بهبود یابد	
۱۳۲۳. برای پیشگیری	
۱۳۲۴. بیابانی (صحرائی)	
۱۳۲۵. بایکدیگر	
۱۳۲۶. تو را هشدار می‌دهم - تا دور شوی	
۱۳۲۷. جاسوس‌ها	
۱۳۲۸. پخش شد - پخش می‌کردی (پخش می‌کرد)	
۱۳۲۹. تأثیر نمی‌پذیرد	
۱۳۳۰. که بچرخانی	
۱۳۳۱. حرکت نده - حرکت نمی‌کند	
۱۳۳۲. از دست دادن - اندوه	
۱۳۳۳. هیزم	
۱۳۳۴. قصرها	
۱۳۳۵. خواهر کوچک من - می‌خواهد	
۱۳۳۶. آرامش	
۱۳۳۷. آسانی	
۱۳۳۸. پس ما را حفظ کن	
۱۳۳۹. می‌لیسد	
۱۳۴۰. نصوص (متن‌ها)	
۱۳۴۱. مُدُن، مَدائِن (شهرها)	
۱۳۴۲. ناصِر (یاری‌گر)	
۱۳۴۳. الْجُمْلَة (جمله)	
۱۳۴۴. صُدُور (سینه‌ها)	
۱۳۴۵. الْعُقْلَاء (عاقلان)	
۱۳۴۶. مَثَل (مثال)	
۱۳۴۷. أَحَادِیْث (حدیث‌ها)	
۱۳۴۸. عِلْم (علم)	
۱۳۴۹. ب	
۱۳۵۰. ب	
۱۳۵۱. الف	
۱۳۵۲. الف	

۱۲۳۵. العاشرة والربع	
۱۲۳۶. الثانية عشرة والنصف	
۱۲۳۷. الثانية إلا ربعاً	
۱۲۳۸. الخامسة تماماً	
۱۲۳۹. السابعة و خمسون دقيقة (الثامنة إلا عشر دقائق)	
۱۲۴۰. الثالثة و خمسة و خمسون دقيقة	
۱۲۴۱. أنتم / ح ر م / إفعال	۱۲۶۴. كُنْ يُسَافِرْنَ
۱۲۴۲. نحنُ / ش ر ك / إفعال	۱۲۶۵. تُصَادُّم
۱۲۴۳. هو / أ ك د / تفعیل	۱۲۶۶. الف
۱۲۴۴. أنا / ن ف ع / إفعال	۱۲۶۷. ب
۱۲۴۵. هم / ع ی ش / تفاعل	۱۲۶۸. الف
۱۲۴۶. هنَّ / خ ل ف / إفعال	۱۲۶۹. الف
۱۲۴۷. هما / ع ر ف / تفاعل	۱۲۷۰. ب
۱۲۴۸. أنتِ / ع ص م / إفعال	۱۲۷۱. ب
۱۲۴۹. أنتَ / ش ب ه / تفاعل	۱۲۷۲. ب
۱۲۵۰. أنتنَّ / ج ل س / مُفاعلة	۱۲۷۳. الف
۱۲۵۱. نحنُ / ع م ل / تفاعل	۱۲۷۴. عَلمُوا
۱۲۵۲. عاملوا	۱۲۷۵. اسْتَمَعْنَا
۱۲۵۳. اتعاملُ	۱۲۷۶. أُرْسِلُنَّ
۱۲۵۴. عَلمُوا	۱۲۷۷. لا يُرْسِلُ
۱۲۵۵. لا تُكَاتِبُ	۱۲۷۸. يَكْتَسِبُنَّ
۱۲۵۶. كُنَّ يُجْلِسُنَّ	۱۲۷۹. لا تُشَاهِدُنَا
۱۲۵۷. ما فَتَشْتُمُ	۱۲۸۰. عاملی
۱۲۵۸. لا تَتَفَضَّلَانِ	۱۲۸۱. عَلمُوا
۱۲۵۹. سَتُشَاهِدُنَّ	۱۲۸۲. أَخْرَجُوا
۱۲۶۰. عَلمْنَا	۱۲۸۳. لا تُفَرِّحَا
۱۲۶۱. تُعَلِّمِينَ	۱۲۸۴. لا تُخْرِجُ
۱۲۶۲. خَرَكَا	۱۲۸۵. لا تُسَلِّمُوا
۱۲۶۳. لا تُخْرِجَنَّ	
۱۲۸۶. گزینه «۳»: این گزینه مضارع، ولی بقیه گزینه‌ها ماضی‌اند.	
۱۲۸۷. گزینه «۲»: این گزینه از باب تفعیل، ولی بقیه گزینه‌ها از باب إفعال‌اند.	
۱۲۸۸. گزینه «۴»: این گزینه از باب انفعال، ولی بقیه گزینه‌ها از باب إفعال‌اند.	
۱۲۸۹. گزینه «۱»: این گزینه از باب انفعال، ولی بقیه گزینه‌ها از باب إفعال‌اند.	
۱۲۹۰. تَهَا جَمَّ: حمله کرد	
۱۲۹۱. تُنْظَمِينَ: منظم می‌کنی	
۱۲۹۲. تَشْرَفُوا: مشرف شوید	
۱۲۹۳. لا تُعْمِلُ: اعمال نکن	
۱۲۹۴. سَتُشَاوِرُ: مشورت خواهیم کرد	
۱۲۹۵. كَانَتْ تُحَكِّمُ: محکم می‌کرد	
۱۲۹۶. مَا إِنْجَمَدَنَ: منجمد نشدند	
۱۲۹۷. لا تُعَامِلَانِ: رفتار نمی‌کنید	
۱۲۹۸. كُنْتُ تُسْرِفُنَّ: اسراف می‌کردید	

۱۴۳۳. گمان می‌کنم فاصله، ۳۷ کیلومتر است.
۱۴۳۴. دو شاعر بزرگ، قصیده‌هایی در هنگام بازدیدشان از ایوان کسری، سروده‌اند.
۱۴۳۵. آیا اطلاعات دیگری درباره شهر مدائن داری؟
۱۴۳۶. خداوند برای شما، آسانی می‌خواهد.
۱۴۳۷. دانش شکار و نوشتن طناب است.
۱۴۳۸. برای خودم سود و ضرری ندارم، مگر چیزی که خدا خواست (بخواهد).
۱۴۳۹. سینه عاقل، صندوق راز اوست.
۱۴۴۰. خداوند کسی را مگر به اندازه توانش، تکلیف نمی‌کند.
۱۴۴۱. آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را فراموش می‌کنید؟
۱۴۴۲. خداوند گناهان را می‌آمرزد.
۱۴۴۳. خداوند آمرزنده گناهان است.
۱۴۴۴. پس نگاه کنید چگونه آفرینش را آغاز کرد؟
۱۴۴۵. این، آفرینش خداست.
۱۴۴۶. غواص‌ها شبانه به اعماق اقیانوس رفتند.
۱۴۴۷. صدها چراغ رنگی را دیدیم.
۱۴۴۸. غواص‌ها در نورهای این ماهی‌ها، می‌توانند عکاسی کنند.
۱۴۴۹. دانشمندان، پراکنده شدن نورها از باکتری نورانی را کشف کردند.
۱۴۵۰. از خداوند در درس‌هایم کمک می‌خواهم.
۱۴۵۱. زبان گربه، سلاحی پزشکی است.
۱۴۵۲. قطعاً چشم‌هایم از شادی، اشک‌هایی ترشح می‌کنند.
۱۴۵۳. پرندگان با غریزه‌شان، گیاهان دارویی را می‌شناسند.
۱۴۵۴. حیوانات، انسان را به خواص گیاهان، راهنمایی کرده‌اند.
۱۴۵۵. بیشتر حیوانات زبانی خاص دارند.
۱۴۵۶. او، به عنوان جاسوسی از جاسوس‌های جنگل است.
۱۴۵۷. اردک، نزدیک دُمش، غده‌ای طبیعی دارد.
۱۴۵۸. آفتاب‌پرست می‌تواند چشمانش (دو چشمش) را بچرخاند.
۱۴۵۹. چشم جغد حرکت نمی‌کند، زیرا ثابت است.
۱۴۶۰. جغد، سرش را بدون حرکت دادن بدنش، دویست و هفتاد درجه می‌چرخاند.
۱۴۶۱. خدا، مثال‌ها را برای مردم می‌زند.
۱۴۶۲. می‌خواهیم به مدینه برویم.
۱۴۶۳. این، گفت‌وگویی با راننده ماشین اجاره‌ای (تاکسی) است.
۱۴۶۴. آیا می‌دانی که سلمان فارسی کیست یا نه؟
۱۴۶۵. آفتاب‌پرست دارای دو چشم متحرک است.
۱۴۶۶. پروردگارت به کسی ظلم نمی‌کند.
۱۴۶۷. و برای ما مثالی زد و خلقت خودش را فراموش کرد.
۱۴۶۸. آقای قوم، خدمتگزارشان در سفر است.
۱۴۶۹. پشیمانی بر سکوت، بهتر از پشیمانی بر حرف زدن است.
۱۴۷۰. بزرگ‌ترین نادانی، زیاده‌روی در ستایش و نکوهش است.
۱۴۷۱. خوبی ادب، زشتی اصل و نسبت را می‌پوشاند.
۱۴۷۲. دشمنی عاقل، بهتر از دوستی نادان است.
۱۴۷۳. دشمن عاقل، بهتر از دوست نادان است.
۱۴۷۴. هر نفسی، چشنده مرگ است.
۱۴۷۵. پروردگار ما، این را بیهوده خلق نکردی.

۱۳۶۹. ب
۱۳۷۰. ب
۱۳۷۱. الف
۱۳۷۲. ب
۱۳۷۳. ب
۱۳۷۴. الف
۱۳۷۵. الف
۱۳۷۶. ب
۱۳۷۷. ب
۱۳۷۸. الف
۱۳۷۹. الف
۱۳۸۰. ب
۱۳۸۱. الف
۱۳۸۲. الف
۱۳۸۳. ب
۱۳۸۴. الف
۱۳۸۵. نور
۱۳۸۶. ظلام، ظلمة
۱۳۸۷. لیل
۱۳۸۸. الجاهل
۱۳۸۹. فوق
۱۳۹۰. خاصة
۱۳۹۱. بقية
۱۳۹۲. یقْدِرُ
۱۳۹۳. حُزن
۱۳۹۴. ایوان
۱۳۹۵. یعیش
۱۳۹۶. قَبیح
۱۳۹۷. قید = حَبْل (بند، طناب)
۱۳۹۸. غَیم = سَحَاب (ابر)
۱۳۹۹. حُجْرة = عُرْفَة (اتاق)
۱۴۰۰. صدق (راستگویی) = کِذِب (دروغگویی)
۱۴۰۱. نُفایة = زُبالة (زباله)
۱۴۰۲. خَلْف = وَرَاء (پشت)
۱۴۰۳. ب توانست
۱۴۰۴. الف دور شد
۱۴۰۵. الف ساخت
۱۴۰۶. الف جنگ
۱۴۰۷. الف لطفاً
۱۴۰۸. ب آماده
۱۴۰۹. الف دور شد
۱۴۱۰. الف نور
۱۴۱۱. الف ناراحتی
۱۴۱۲. ب خوشحال
۱۴۱۳. ب غمگین
۱۴۱۴. الف گاهی
۱۴۱۵. ب همه
۱۴۱۶. الصُّور : عکس‌ها (البَط : اردک / القَط : گربه / الجرباء : آفتاب‌پرست)
۱۴۱۷. البَط : اردک (پرنده) (الجرباء : آفتاب‌پرست / البقرة : گاو ماده / القَط : گربه)
۱۴۱۸. زَبْت : روغن (رأس : سر / ذَنْب : دُم / عَین : چشم)
۱۴۱۹. ذَل : راهنمایی کرد (سائق : راننده / سیارة الأجرة : تاکسی / سائح : گردشگر)
۱۴۲۰. یُسِر : آسانی (صندوق : صندوق / مفتاح : کلید / مصباح : چراغ)
۱۴۲۱. الظلام
۱۴۲۲. تاریکی دریا را تغییر می‌دهیم.
۱۴۲۳. هر کسی چیزی را بخواهد و تلاش کند، می‌یابد.
۱۴۲۴. شاید بتواند آن کار را (انجام دهد).
۱۴۲۵. گربه، زخمش را چند (چندین) دفعه می‌لیسد.
۱۴۲۶. کلاغ صدایی دارد که با آن به بقیه حیوانات هشدار می‌دهد.
۱۴۲۷. بدنش از آب تأثیر نمی‌گیرد (خیس نمی‌شود).
۱۴۲۸. او می‌تواند در دو جهت ببیند.
۱۴۲۹. جُغد، این نقص را جبران می‌کند.
۱۴۳۰. زبان گربه، مملو از غده‌هایی است که مایعی ترشح می‌کنند.
۱۴۳۱. سینه‌های آزادگان، قبرهای رازهاست.
۱۴۳۲. خداوند چیزی برتر از عقل برای بندگان، قسمت نکرده است.



۱۵۲۳. فعل امری برای صیغه جمع مؤنث مخاطب پیدا کن و آن را ترجمه کن؛
اجلسن: بنشینید

۱۵۲۴. فاعل - صفت - مفعول - مضاف الیه - صفت

۱۵۲۵. مبتدا - مضاف الیه - خبر - مفعول - صفت

۱۵۲۶. فاعل - مضاف الیه - صفت

۱۵۲۷. مبتدا - مضاف الیه - صفت - خبر - مفعول - صفت

۱۵۲۸. مبتدا - خبر - مفعول - صفت - صفت

۱۵۲۹. مبتدا - مضاف الیه - خبر - مفعول - مضاف الیه

۱۵۳۰. مبتدا - مضاف الیه - خبر - مضاف الیه

۱۵۳۱. مبتدا - مضاف الیه - خبر - مضاف الیه

۱۵۳۲. مبتدا - صفت - خبر - صفت

۱۵۳۳. مبتدا - مضاف الیه - خبر

۱۵۳۴. فاعل - مفعول

۱۵۳۵. مبتدا - خبر - مضاف الیه - صفت

۱۵۳۶. مبتدا - خبر - صفت

۱۵۳۷. مبتدا - خبر - مضاف الیه - مضاف الیه

۱۵۳۸. فاعل - مفعول - صفت

۱۵۳۹. فاعل - صفت - صفت

۱۵۴۰. فاعل - مفعول - صفت - مضاف الیه

۱۵۴۱. مبتدا - مضاف الیه - خبر - مفعول - صفت

۱۵۴۲. مبتدا - مضاف الیه - خبر - مفعول - صفت

۱۵۴۳. فاعل - صفت - مفعول

۱۵۴۴. مضاف الیه - خبر - مجرور به حرف جر

۱۵۴۵. اسمیه / العاقل، الجاهل / خیر / عداوة

۱۵۴۶. فعلیه / یتفکرون / السماوات

۱۵۴۷. اسمیه / البومة / طائر / یسکن / المتروكة

۱۵۴۸. اسمیه / الطیبة، مفیده / ها / الأعشاب / نباتات

۱۵۴۹. فعلیه / الزوار / تشرّف / العتبات / المقدسة

۱۵۵۰. قُل، سیروا، أنظروا / بدأ / الخلق

۱۵۵۱. یُمکِن، یستفید / البحرية / البشر

۱۵۵۲. فعلیه / مراتب / الجرح / القطة

۱۵۵۳. اسمیه / صوتاً، بقية / الحيوانات

۱۵۵۴. هي / تعوض / هذا / رأس، ها

۱۵۵۵. العلم، الكتابة / صيد، قيد

۱۵۵۶. قُبِح / الأدب / التسبب / اسمیه

۱۵۵۷. فعلیه / نا، عذاب / النار

۱۵۵۸. سؤال: كم المسافة من بغداد إلى هنا؟ پاسخ: أَطْلُ ثَلَاثِينَ كيلومتراً.

۱۵۵۹. سؤال: لِمَ تذهبون إلى المدائن؟ پاسخ: لزيارة مرقد سلمان الفارسي.

۱۵۶۰. سؤال: أتعرف من هو سلمان الفارسي أم لا؟ پاسخ: نَعَمْ، أعرفه.

۱۵۶۱. سؤال: لماذا تتعجب؟ پاسخ: لِأَنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى المدائن إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزَّوَارِ.

۱۵۶۲. سؤال: هل لك معلومات عن طاق كسري؟ پاسخ: نَعَمْ، بالتأكيد.

۱۵۶۳. تسعة و خمسون

۱۵۶۴. خمسة و ثمانون

۱۴۷۶. پروردگار ما، قطعاً تو کسی را که داخل آتش نموده‌ای، ذلیل کرده‌ای.

۱۴۷۷. ستمگران، یاورانی ندارند.

۱۴۷۸. قطعاً ما [صدای] نداده‌نده‌ای را شنیدیم که به ایمان صدا می‌زد.

۱۴۷۹. تکلیف نمی‌کنیم می‌اندیشند

۱۴۸۰. نازل نکردی (ای زن) نپوشاندم

۱۴۸۱. ستم نکنید (ای مردان) می‌پوشانند

۱۴۸۲. زندگی می‌کنم نپوشانید

۱۴۸۳. بفرمایید (ای مردان) بیوشانید

۱۴۸۴. از دست دادن، ضایع کردن خواهیم پوشاند

۱۴۸۵. دوری کردید (ای مردان) می‌پوشاندی

۱۴۸۶. اداره کردند (آن مردان) نمی‌پوشانند

۱۴۸۷. داشتن نمی‌پوشاند

۱۴۸۸. تأثیر نگیر (ای زن) بیوشانید

۱۴۸۹. حرکت کردند، حرکت کنید نپوشان

۱۴۹۰. حرکت می‌دهید (ای مردان) خواهید پوشاند

۱۴۹۱. حرکت بدهید (ای مردان) نپوشانید

۱۴۹۲. حرکت کردن پوشانند

۱۴۹۳. جبران خواهند کرد (آن زنان) می‌پوشانم

۱۴۹۴. حرکت دادن نپوشان

۱۵۱۱. الف «تَشْرَفْنَا: مشرف شدیم» یک فعل ماضی است.

۱۵۱۲. ب در گزینه «الف» کلمه «این» معادلی در صورت سؤال ندارد.

۱۵۱۳. الف فی إجابته: در دو جهت

۱۵۱۴. الف البومة: جغد / تحریک: حرکت دادن

۱۵۱۵. ب مثات: صداها

ترجمه متن معلمی، دانش‌آموز مردودش را تشویق کرد پس دانش‌آموزی نمونه شد و پس از سال‌هایی، معلم از دانش‌آموزش نامه‌ای دریافت کرد که در آن نوشته شده بود: تو بهترین معلمی هستی که در زندگی‌ام دیدم. تو سرنوشت من را عوض کردی. من اکنون مهندسی ماهر هستم. و پس از مدتی، معلم، نامه‌ای دیگر از مهندس حمید (دانش‌آموزش) دریافت کرد، که از او خواسته بود که در جشن عروسی‌اش حضور یابد.

۱۵۱۶. نام دانش‌آموزی که معلم او را تشویق کرده بود، چیست؟ حمید

۱۵۱۷. اکنون شغل دانش‌آموز چیست؟ مهندس

۱۵۱۸. معلم چه زمانی نامه اول را دریافت کرد؟ بعد سنوات

۱۵۱۹. دانش‌آموز، در ابتدای متن، چگونه بود؟ الزاسب

ترجمه متن سال تحصیلی جدید شروع می‌شود و دانش‌آموزان روستا با خوشحالی به مدرسه می‌روند. این روستا، کوچک و زیباست. معلم وارد کلاس پنجم می‌شود. کلاس شلوغ است، زیرا دانش‌آموزان در آن بازی می‌کنند. معلم به پسرها می‌گوید: سمت راست بنشینید. و همین‌طور به دخترها می‌گوید: سمت چپ بنشینید. سپس معلم درس اول را شروع می‌کند.

۱۵۲۰. دانش‌آموزان چگونه به مدرسه می‌روند؟ قَرِحاً

۱۵۲۱. چرا کلاس شلوغ است؟ لِأَنَّ التَّلَامِيذَ يَلْعَبُونَ فِيهِ.

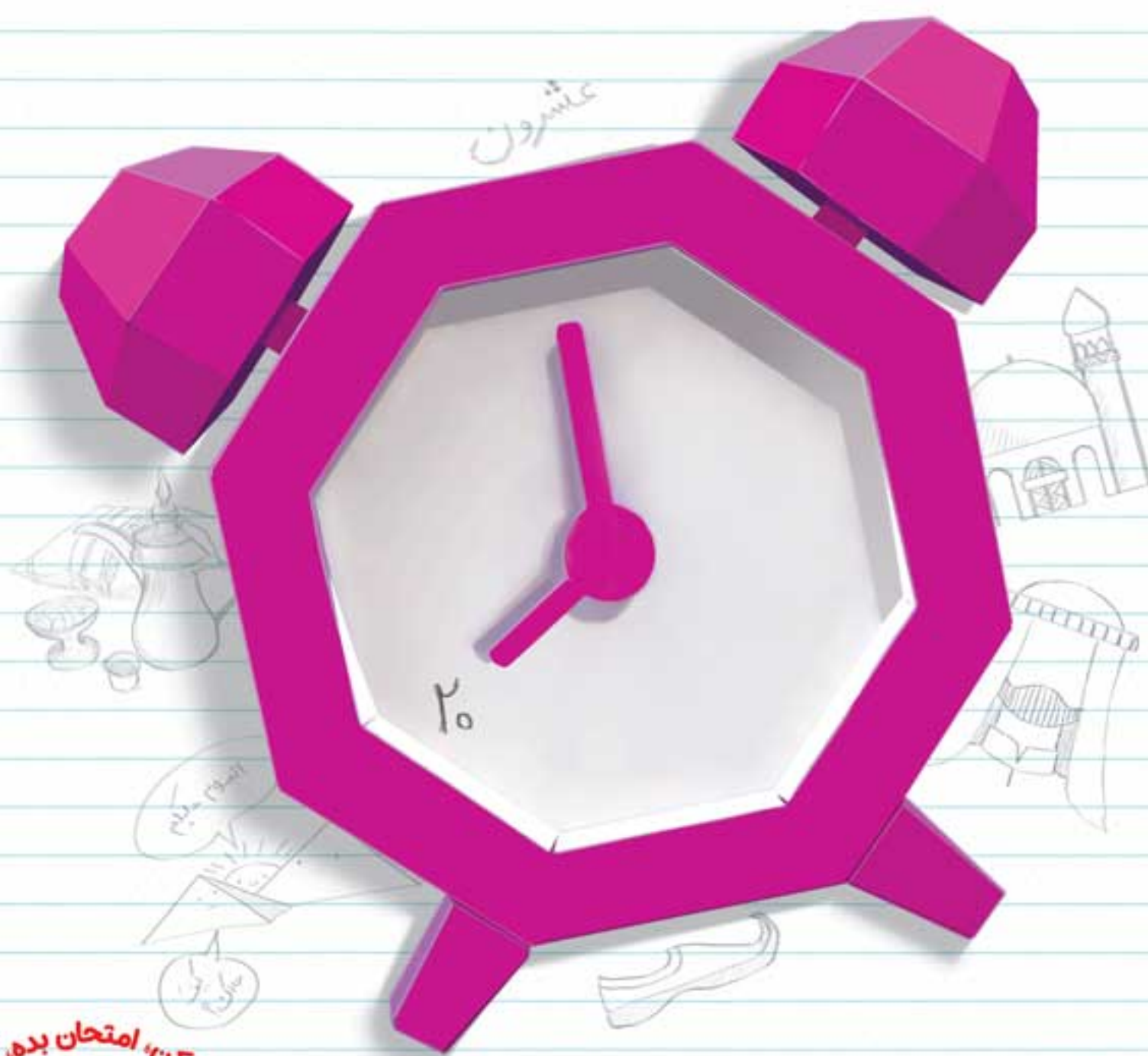
۱۵۲۲. کلمه‌ای بر وزن «مَفْعَلَةٌ» در متن بنویس: مَدْرَسَةٌ

۱۵۶۵. ستة و تسعون	۱۶۲۴. گناه	۱۶۶۷. الف
۱۵۶۶. أربعة و عشرون	۱۶۲۵. گوشت	۱۶۶۸. ب
۱۵۶۷. مئة و سبعة و أربعون	۱۶۲۶. واز تو سؤال می پرسند	۱۶۶۹. ب
۱۵۶۸. مِئتان و ثلاثة	۱۶۲۷. خواهیم خواند	۱۶۷۰. ب
۱۵۶۹. إثنا عشر زائد ثلاثة و أربعون يُساوی خمسة و خمسون	۱۶۲۸. یکتاپرست	۱۶۷۱. الف
۱۵۷۰. اثنان و ستون ناقص ثمانية و عشرون يُساوی أربعة و ثلاثون	۱۶۲۹. یاد شد (ذکر شد)	۱۶۷۲. ب
۱۵۷۱. ثلاثة و عشرون فی ثلاثة يُساوی تسعة و ستون	۱۶۳۰. سپاه بزرگ او	۱۶۷۳. ب
۱۵۷۲. أربعة و ثمانون تقسیم علی أربعة يُساوی واحدة و عشرون	۱۶۳۱. جنگیدن	۱۶۷۴. الف
۱۵۷۳. الحادية عشرة تماماً	۱۶۳۲. خوش آمد می گفتند	۱۶۷۵. ب
۱۵۷۴. الثانية و الربع	۱۶۳۳. که حکومت کند - اداره کند	۱۶۷۶. الف
۱۵۷۵. السابعة و النصف	۱۶۳۴. آبها	۱۶۷۷. الف
۱۵۷۶. الخامسة إلّا ربعاً	۱۶۳۵. کارهای شایسته او	۱۶۷۸. مُشَرک
۱۵۷۷. الثانية و خمسون دقيقة (الثالثة إلّا عشر دقائق)	۱۶۳۶. رسیدن او	۱۶۷۹. الصغیر
۱۵۷۸. السادسة و أربعون دقيقة (السابعة إلّا عشرون دقيقة)	۱۶۳۷. تا نتواند	۱۶۸۰. الکبیر
۱۵۷۹. هم / ش ه د / مُفاعلة	۱۶۳۸. آوردند	۱۶۸۱. الأمة
۱۵۸۰. أنتن / ش ه د / مُفاعلة	۱۶۳۹. رها نشدم	۱۶۸۲. امر
۱۵۸۱. هو / ب ع ث / انفعال	۱۶۴۰. اقوام (گروهها)	۱۶۸۳. قبیحة
۱۵۸۲. أنت / ح و ل / تفعیل	۱۶۴۱. نفوس، أنفُس (جانها، خودها)	۱۶۸۴. جمیلة
۱۵۸۳. نحن / ک ش ف / افتعال	۱۶۴۲. لقب (لقب)	۱۶۸۵. بُعِد
۱۵۸۴. هو / م ک ن / افعال	۱۶۴۳. لحم (گوشت)	۱۶۸۶. الصالحین
۱۵۸۵. أنا / ف ر ز / افعال	۱۶۴۴. مثل (مثال)	۱۶۸۷. تحرّک
۱۵۸۶. التأم	۱۶۴۵. اُدیان (دینها)	۱۶۸۸. یعیشون
۱۵۸۷. ما اِشْتَعْمَلْنَا	۱۶۴۶. شهور، أشهر (ماهها)	۱۶۸۹. أفعال
۱۵۸۸. اتفاهم	۱۶۴۷. أبواب (درها)	۱۶۹۰. وراء (پشت) = امام (مقابل)
۱۵۹۸. سیکاتیون: نامه نگاری خواهند کرد.	۱۶۴۸. الأجوبة (جوابها)	۱۶۹۱. رجال (مردان) = نساء (زنان)
۱۵۹۹. کُنْتُ أَحْسَنُ: نیکی می کردم	۱۶۴۹. میاه (آبها)	۱۶۹۲. هذا = هذه (این)
۱۶۰۰. لا تَسْتَغْفِرُونَ: آمرزش نمی خواهید	۱۶۵۰. جيش (ارتش)	۱۶۹۳. إغلاق (بستن) = فتح (گشودن)
۱۶۰۱. النفس: جان، خود؛ سایر کلمات نوعی مصدر هستند.	۱۶۵۱. أعداء (دشمنان)	۱۶۹۴. عظیم (بزرگ) = صغیر (کوچک)
۱۶۰۲. عُیون مُتحرّکة: یک ترکیب وصفی است ولی سایر گزینه ها اضافی هستند.	۱۶۵۲. زوج (همسر)	۱۶۹۵. یَسْتَطِيعُ = یَقْدِرُ (می تواند)
۱۶۰۳. أفضل: یک اسم مفرد است ولی سایر گزینه ها جمع مکرر هستند.	۱۶۵۳. جبال (کوهها)	۱۶۹۶. جاء بِ = جَلَبَ (آورد)
۱۶۰۴. إجتاهات: یک جمع سالم است ولی سایر گزینه ها جمع مکرر هستند.	۱۶۵۴. موعِد (زمان)	۱۶۹۷. کثیر (زیاد) = قليل (کم)
۱۶۰۵. «اثنین: ۲» مثنی است اما بقیه جمع هستند.	۱۶۵۵. العُرفة (اتاق)	۱۶۹۸. رَفَضَ (پذیرفت) = قَبِلَ (پذیرفت)
پاسخ سؤالات درس «۶»		۱۶۹۹. عطاء (دادن) = أخذ (گرفتن)
۱۶۰۶. استقرار یافت	۱۶۵۶. أذکار (یادها)	۱۷۰۰. الف خراب کردن
۱۶۰۷. حکومت می کرد	۱۶۵۷. شؤون (کارها)	۱۷۰۱. ب ناراحت شدند
۱۶۰۸. مردابها	۱۶۵۸. بیت (بیت، شعر)	۱۷۰۲. الف قرار دادیم
۱۶۰۹. حرکت کرد - سپاه	۱۶۵۹. بیت (خانه)	۱۷۰۳. ب شد
۱۶۱۰. تنگه، درّه	۱۶۶۰. ضیوف (مهمانها)	۱۷۰۴. ب می خوانم
۱۶۱۱. غنیمت بشمارید	۱۶۶۱. ملبَس (لباس)	۱۷۰۵. الف اتاق
۱۶۱۲. به غارت می برند	۱۶۶۲. نفس (جان، خود)	۱۷۰۶. الف دشمن
۱۶۱۳. بستن	۱۶۶۳. ب	۱۷۰۷. الف دوست
۱۶۱۴. نپذیرفتی	۱۶۶۴. الف	۱۷۰۸. الف کوتاه
	۱۶۶۵. الف	۱۷۰۹. ب علم، دانایی
	۱۶۶۶. ب	

کاربرگی امتحانی عربی ۱

رشته تجربی و ریاضی

حل تصویری: دکتر مهران ترکمان، محمد مهدی شاهرودی، علی فرامرزی



جداکن، امتحان بده، تصحیح کن!
برگه‌های پرفرازداد
با تصحیح هوشمند
آنلاین

۱۴ امتحان شامل:

۸ امتحان درس به درس استاندارد

۴ امتحان شبیه‌ساز نهایی نوبت اول و دوم

۲ امتحان نهایی

• پاسخ‌نامه تشریحی به همراه ریزبارم و نکات آموزشی و مشاوره‌ای



مهروماه



هومان

باسمه تعالی

امتحان ۵: درس پنجم		سؤالات شبیه ساز نهایی		مهروماه
رشته: علوم تجربی - ریاضی فیزیک	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	
سؤالات درس: عربی، زبان قرآن (۱)	نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان:	تعداد صفحه: ۴	

ردیف	سؤالات	صفحه ۱ از ۴	نمره
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ: (الف) شَاهَدُوا مَصَابِيحَ مُلَوَّنَةً. (ب) تَفَضَّلُوا يَا تَلَامِيذُ. (ج) رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ. (د) يُحِبُّ صَدِيقِي الْخَلِيبَ. (هـ) قَدْ دَلَّ الْحَيَوَانُ الْإِنْسَانَ.	۱/۲۵	
۲	عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ لِكَلِمَةِ «ضِيَاء» وَ الْمُتَرَادِفَ لِكَلِمَةِ «تُبَدَّلُ» فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ: تُحَوِّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ.	۰/۱۵	
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: ☐ (الف) قَطَّ ☐ (ب) بُوم ☐ (ج) حِرْبَاء ☐ (د) جُزَح	۰/۲۵	
۴	اَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ: (الف) لَدَيْنَا أَعْشَابٌ طَيِّبَةٌ. (ب) الْغُرَابُ مِثْلُ جَاسُوسٍ.	۰/۱۵	
۵	تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ (۰/۷۵) (ب) ﴿وَصَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ﴾ (۰/۵) (ج) أَكْبَرُ الْحُمَقِ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَ الذَّمِّ. (۰/۵) (د) ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ (۰/۵) (هـ) سَيُمْكِنُ أَنْ نَسْتَفِيدَ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجِزَةِ الْبَحْرِيَّةِ. (۰/۷۵) (و) يَلْعَقُ الْقَطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمْ. (۰/۵) (ز) كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ بَعْضُ الطُّيُورِ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ؟ (۰/۵) (ح) أَيُّهَا السَّائِقُ نَحْنُ نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ. (۰/۵) (ط) الشَّرْطِيُّ يَحْفَظُ الْأَمْنَ بِالْكِلاَبِ. (۰/۵)	۵	
ادامه سؤالات در صفحه دوم			

باسمه تعالی

امتحان ۵: درس پنجم		سؤالات شبیه‌ساز نهایی		مهرماه
رشته: علوم تجربی - ریاضی فیزیک	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	
سؤالات درس: عربی، زبان قرآن (۱)	نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان:	تعداد صفحه: ۴	

ردیف	سؤالات	صفحه ۲ از ۴	نمره
۶	كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: الف) ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ و درباره آسمان ها و زمین ب) ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ﴾ پروردگارا هر که را تو ، او را	۱	
۷	إِنتَخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ: الف) ﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ﴾ ☐ ۱) ای پروردگار ما، قطعاً ما صدایی از پیام‌دهنده به ایمان، می شنیدیم. ☐ ۲) ای پروردگار ما، قطعاً ما صدای پیام‌دهنده‌ای را شنیدیم که به ایمان دعوت می‌کرد. ب) هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي إِتْجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ. ☐ ۱) او می‌تواند در یک زمان در دو جهت ببیند. ☐ ۲) او توانایی دیدن در دو جهت متفاوت را در زمانی یکسان دارد.	۰/۱۵	
۸	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ: الف) لِلْغُرَابِ صَوْتُ يُحَذِّرُ بِهِ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى يَتَّبِعَدَ. ب) لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ وَتُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ.	۱	
۹	عَيِّنْ نَوْعَ الْجُمْلَتَيْنِ: الف) غَالِبًا تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا. ب) أَغْلِبُ الْحَيَوَانَاتِ تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً.	۰/۱۵	
۱۰	عَيِّنِ الصَّحِيحَ: الف) الْمَضَارِعُ مِنَ «حَذَرًا» ☐ ۱) يُحَذِّرَانِ ☐ ۲) تُحَذِّرَانِ ☐ ۳) يَتَحَذَّرَانِ ب) الْأَمْرُ مِنَ «تَسْتَعْمِلْنَ» ☐ ۱) إِسْتَعْمِلْنَ ☐ ۲) إِسْتَعْمِلْنَ ☐ ۳) أُسْتَعْمِلْنَ	۰/۱۵	
«ادامه سؤالات در صفحه سوم»			

باسمه تعالی

امتحان ۵: درس پنجم		سؤالات شبیه ساز نهایی		مهرماه
رشته: علوم تجربی - ریاضی فیزیک	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	
سؤالات درس: عربی، زبان قرآن (۱)	نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان:	تعداد صفحه: ۴	

ردیف	سؤالات	صفحه ۳ از ۴	نمره								
۱۱	عَيْنٌ مَا طَلِبَ مِنْكَ: (الف) مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ. (مضاف إليه) (ب) يُرْسِلُ الْغُرَابُ الْأَخْبَارَ. (الفاعل) (ج) الْحِرْبَاءُ ذَاتُ عَيْنٍ مُتَحَرِّكَةٍ. (الخبر) (د) ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ﴾ (المفعول)		۱								
۱۲	كَمِّلِ الْجَدُولَ التَّالِيَّ: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾	<table border="1"> <tr> <td>الف) نوع الجملة</td><td>ب) الفاعل</td><td>ج) المفعول</td><td>د) مضاف إليه</td></tr> <tr> <td></td><td></td><td></td><td></td></tr> </table>	الف) نوع الجملة	ب) الفاعل	ج) المفعول	د) مضاف إليه					۱
الف) نوع الجملة	ب) الفاعل	ج) المفعول	د) مضاف إليه								
۱۳	أَعْرَبْ مَا أَشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ: (الف) عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. (ب) ﴿سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾		۱								
۱۴	اُكْتُبْ مَا طَلِبَ مِنْكَ: (الف) ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾ (المفعول) (ب) ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ (الخبر) (ج) ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ﴾ (باب الفعل) (د) ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. (عدد المضاف) (هـ) يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي إِتِّجَاهَاتٍ. (الفاعل) (و) لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا. (الجمع المكسر)		۱/۵								
۱۵	عَيْنِ الْخَبَرِ وَ الْمَفْعُولِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ ثُمَّ تَرَجِّمَهُمَا: «الْفَوَاصِلُ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ شَاهِدُوا مَنَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ.»		۱								
«ادامة سؤالات در صفحه چهارم»											

باسمه تعالی

امتحان ۵: درس پنجم		سؤالات شبیه‌ساز نهایی		مهروماه
رشته: علوم تجربی - ریاضی فیزیک	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	
سؤالات درس: عربی، زبان قرآن (۱)	نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان:	تعداد صفحه: ۴	

ردیف	سؤالات	صفحه ۴ از ۴	نمره
۱۶	عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ: (x✓) الف) تَعِيشُ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ عَلَى سَطْحِ الْمَاءِ. ب) إِنَّ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ وَ أَصْلُهُ مِنْ عِرَاقِ. ج) الْإِنَارَةُ يَعْنِي عَدَمُ وُجُودِ الضَّوِّ. د) لَا تُعْطَى الْبَقْرَةُ إِلَّا الْحَلِيبَ.	۱	
۱۷	إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ إجابةً قَصِيرَةً: مِنْ أَهَمِّ الْمَشْكَلَاتِ الَّتِي يُوَاجِهُهَا الْإِنْسَانُ هِيَ مُشْكَلَةُ تَلَوُّثٍ (ضِدُّ النِّظَافَةِ) الْيَسِيَّةِ. فَبَعْدَ أَنْ نَجَّحَ الْإِنْسَانُ فِي تَحْسِينِ مَعِيشَتِهِ وَاجَهَ مُشْكَلَاتٍ عَدِيدَةً وَ ذَلِكَ تَبِيعَةً لَجَهْلِهِ. فَالْحُقُوقُ الْيَسِيَّةُ ذَاتُ وَجْهَيْنِ، بِمَعْنَى أَنَّ مِنْ حَقِّنَا عَلَى الطَّيِّعَةِ أَنْ نَسْعَ كَشْفَ أَسْرَارِهَا وَ مِنْ حَقِّ الطَّيِّعَةِ عَلَيْنَا أَنْ نَحَافِظَ عَلَيْهَا مِنَ التَّلَوُّثِ! الف) مَتَى يُوَاجِهُ الْإِنْسَانُ مُشْكَلَاتٍ عَدِيدَةً؟ ب) مَا أَهَمُّ الْمَشْكَلَاتِ الْإِنْسَانِ فِي عَيْشِهِ الْيَسِيَّةِ؟ ج) كَيْفَ يُحَقِّقُ حَقُّ الطَّيِّعَةِ عَلَيْنَا؟ د) مَاذَا نَسْعَى كَشْفَهُ فِي الطَّيِّعَةِ؟	۱	
۱۸	أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ إجابةً قَصِيرَةً: الف) مَتَى تَرْجِعُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟ ب) هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنْ إِيْرَانِ؟ رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سُؤَالَ وَ جَوَابًا: ج) السُّؤَالُ: الْمَسَافَةُ / مِنْ بَغْدَادِ / كَمْ / هُنَاكَ / إِلَى / ؟ د) الْجَوَابُ: ثَلَاثِينَ / أَظُنُّ / الْمَسَافَةُ / كِيلُومِتْرًا / .	۱/۵	
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید	



باسمه تعالی

امتحان ۱۴: پایان سال		سؤالات نهایی خرداد ۱۴۰۳		مهروماه
رشته: علوم تجربی - ریاضی فیزیک	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	
سؤالات درس: عربی، زبان قرآن (۱)	نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: خرداد ۱۴۰۳	تعداد صفحه: ۴	

ردیف	سؤالات	صفحه ۱ از ۴	نمره
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ: الف) جَذْوَةُ الشَّمْسِ مُسْتَعِرَّةٌ فِي الْجَوِّ. ب) شَاهَدْتُ بَقْرَةً كَانَتْ تُرَضِّعُ صِغَارَهَا. ج) وَصَلَ الزُّوَّارُ إِلَى مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ. د) يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى خُرْبَةِ الْعَقِيدَةِ. هـ) إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ.	۱/۲۵	
۲	عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ لِكَلِمَةِ «يَبْكِي» وَ الْمُتَرَادِفَ لِكَلِمَةِ «يَقْدِرُ» فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ: يَعْتَقِدُ الْعُلَمَاءُ أَنَّ الدَّلَافِينَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَصْفِرَ وَيَضْحَكَ كَالْإِنْسَانِ.	۰/۱۵	
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: □ الف) الحِرْبَاء □ ب) القِط □ ج) الحَرْب □ د) الكَلْب	۰/۲۵	
۴	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ: الف) إِنَّكُمْ مَسْؤُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ. ب) هَذَا الطَّائِرُ جَاسُوسٌ الْغَابَةِ.	۰/۱۵	
۵	تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: الف) ﴿فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ (۰/۷۵) ب) ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ (۰/۷۵) ج) مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ ظَهَرََتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ عَلَى لِسَانِهِ. (۰/۵) د) الْإِنْسَانُ قَدْ يُفْتَشُّ عَيْنَ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ. (۰/۵) هـ) كَانَ النَّاسُ يَطْلُبُونَ مِنْ ذِي الْقَرْنَيْنِ أَنْ يُدِيرَ شُؤْنَهُمْ. (۰/۵) و) إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ. (۰/۵) ز) مَا أَجْمَلَ ظَاهِرَةَ مَطَرِ السَّمَكَ فِي الْهِنْدُورَاسِ! (۰/۵) ح) تَبَتَّعْتُ الْحَيَوَانَاتُ عَنْ مَنَاطِقِ الْخَطَرِ بِتَحْذِيرِ الْغُرَابِ. (۰/۵) ط) أَنْظَرُوا إِلَى غُصُونِ الشَّجَرَةِ الَّتِي ثَمَرَاتُهَا كَثِيرَةٌ. (۰/۵)	۵	
ادامه سؤالات در صفحه دوم			

باسمه تعالی

امتحان ۱۴: پایان سال		سؤالات نهایی خرداد ۱۴۰۳		مهرماه
رشته: علوم تجربی - ریاضی فیزیک	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	
سؤالات درس: عربی، زبان قرآن (۱)	نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: خرداد ۱۴۰۳	تعداد صفحه: ۴	

ردیف	سؤالات	صفحه ۲ از ۴	نمره
۶	كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: الف) «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» و درباره آسمان ها و زمین ب) لَدَيْنَا جَوَالٌ تَفْرُغُ بِطَارِئَتِهِ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ. تلفن همراهی که باتری اش در طول نیمروز	۱	
۷	إِتَّخِذِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ: الف) سَارَ الْقَائِدُ مَعَ جَيْشِهِ الْعَظِيمِ نَحْوَ الْمَنَاطِقِ الْغَرْبِيَّةِ. ☐ (۱) رهبر، همراه ارتش بزرگش به سوی مناطق غربی، حرکت کرد. ☐ (۲) رهبر، همراه سپاه بزرگی به سوی منطقه غربی، به راه افتاد. ب) وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى. ☐ (۱) هر بانمکی را همان گونه که دوست داشتی و راضی هستی، توصیف می کنم. ☐ (۲) هر بانمکی را همان طور که دوست داری و خشنود می شوی، توصیف کردم.	۰/۱۵	
۸	تَرَجِّمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ: الف) «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ» ب) «قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»	۱	
۹	عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ وَتَرَجِّمُهُ: «مَا عَمَّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ.»	۰/۱۵	
۱۰	عَيِّنِ الصَّحِيحَ: الف) الْمَاضِي مِنَ «يَتَفَرَّقُ» ☐ (۱) تَفَرَّقَ ☐ (۲) فَرَّقَ ☐ (۳) تَفَرَّقَ ب) الْأَمْرُ مِنَ «تَخْرُجُ» ☐ (۱) أَخْرَجَ ☐ (۲) أَخْرَجَ ☐ (۳) أَخْرَجَ	۰/۱۵	
ادامه سؤالات در صفحه سوم			

باسمه تعالی

امتحان ۱۴: پایان سال		سؤالات نهایی خرداد ۱۴۰۳		مهرماه	
رشته: علوم تجربی - ریاضی فیزیک	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	ساعت شروع: ۱۰ صبح		
سؤالات درس: عربی، زبان قرآن (۱)	نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: خرداد ۱۴۰۳	تعداد صفحه: ۴		

ردیف	سؤالات	صفحه ۳ از ۴	نمره								
۱۱	عَيِّنْ مَا طَلِبَ مِنْكَ: (الف) تَمَو الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ. (مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ) (ب) عَلَامَةُ عَصْرِنَا قَدْ أَلْفٌ كَثِيرَةٌ. (اسم المبالغة) (ج) سَاعَدْتَنِي مُعَلِّمَتِي فِي حَلِّ تَمَارِينِي. (نون الوقاية) (د) إِجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي الْأَعْيَادِ جَمِيلٌ جِدًّا. (المصدر)	۱									
۱۲	كَمِّلِ الْجَدُولَ التَّالِيَّ: (تَعَائِشُ / جَالِسُ / تَجْرِي / عَرَفَ)	<table border="1"> <tr> <td>الف) الماضي</td><td>ب) المضارع</td><td>ج) الأمر</td><td>د) المصدر</td></tr> <tr> <td></td><td></td><td></td><td></td></tr> </table>	الف) الماضي	ب) المضارع	ج) الأمر	د) المصدر					۱
الف) الماضي	ب) المضارع	ج) الأمر	د) المصدر								
۱۳	أَعْرَبْ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ: (الف) الْقَوْمُ اغْتَنَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وُصُولِ الْمَلِكِ. (ب) يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً.	۱									
۱۴	صَنَّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً: (الف) ﴿وَأَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ﴾ (في - من - لـ) (ب) اللَّاعِبَاتُ مَلَابِسَ الرِّيَاضَةِ قَبْلَ بَدَايَةِ الْمُسَابَقَاتِ. (يَغْسِلْنَ - تَغْسِلُ - تَغْسِلْنَ) (ج) أَنْتَ تَأْكُلُ فَطُورَكَ فِي السَّاعَةِ صَبَاحًا. (السَّبعة - السَّابع - السَّابعة) (د) قَرَأَ التَّلَامِيذُ كِتَابَيْنِ فِي مَكْتَبَةِ الْجَامِعَةِ. (اِثْنَيْنِ - اِثْنَانِ - اِثْنَيْنِ) (هـ) الْيَوْمَ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْأَرْبَعَاءِ. (الخامس - الخمسة - الرابع) (و) ثَلَاثَةٌ وَسِتُّونَ زَائِدٌ سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ يُسَاوِي (ثَمَانِينَ - سَبْعِينَ - تِسْعِينَ)	۱/۵									
۱۵	عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ ثُمَّ تَرَجِّمَهُمَا: «صَارَتِ الْمَدْرَسَةُ مَجْهَّزَةً بِالْحَاسُوبِ لِلطُّلَابِ.»	۱									
۱۶	عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرَ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ: (✓ x) (الف) الدُّرُّ مِنَ الْأَحْجَارِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ. (ب) إِنَّ الْعَجِينَ يُصَنَّعُ مِنَ الْخُبْزِ. (ج) مِثْنَةٌ تَقْسِمُ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عَشْرَةً. (د) الْبُطُّ طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَ الْمَاءِ.	۱									

«ادامه سؤالات در صفحه چهارم»

باسمه تعالی

امتحان ۱۴: پایان سال		سؤالات نهایی خرداد ۱۴۰۳		مهروماه
رشته: علوم تجربی - ریاضی فیزیک	پایه: دهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	ساعت شروع: ۱۰ صبح	
سؤالات درس: عربی، زبان قرآن (۱)	نام و نام خانوادگی:	تاریخ امتحان: خرداد ۱۴۰۳	تعداد صفحه: ۴	

ردیف	سؤالات	صفحه ۴ از ۴	نمره
۱۷	اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ إجابةً قَصِيرَةً: حامدٌ مُوظَّفٌ في إدارة التَّربِيَةِ وَالتَّعْلِيمِ بِمُحَافَظَةِ «أردبیل». في السَّاعَةِ السَّادِسَةِ كَانَ يَرْكَبُ الْحَافِلَةَ لِلذَّهَابِ إِلَى إدارَتِهِ دَائِماً وَيُشَاهِدُ فِي طَرِيقِهِ فَقِيراً مَقْطُوعَ الْيَدِ. وَكَانَ هَذَا الْمَنْظَرُ يَحْزَنُهُ كَثِيراً وَيُعْطِيهِ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفَ تَومَانٍ. بَعْدَ مُشَاهَدَةِ هَذَا الْمَوْضُوعِ تَذَكَّرَ مَوْعِظَةً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ تُشِيرُ إِلَى أَنَّ الْخَلْقَ، يَتَرَاخَمُ مِنْ جُزْءٍ وَاحِدٍ مِنَ الرَّحْمَةِ الَّتِي أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ. الف) كم تومانا كان حامدٌ يعطى الفقير؟ ب) كيف كان الفقير الذي شاهده حامد؟ ج) أين كان حامدٌ يعمل؟ د) عَيِّنْ عُنْواناً خَطأً لِهَذَا النَّصِّ: ☐ (۱) تَرَاخَمُ الْخَلْقِ ☐ (۲) الْعَمَلُ الصَّالِحُ ☐ (۳) جَلِيسُ السَّوْءِ	۱	
۱۸	أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ إجابةً قَصِيرَةً: الف) لِمَاذَا تَذْهَبُ إِلَى مَشْهَدٍ؟ ب) فِي أَيِّ مَدِينَةٍ تَسْكُنُ؟ رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ وَاكْتُبْ سُؤَالَ وَجَوَاباً: ج) السُّؤال: هَلْ / إِلَى لُبْنانِ / سافَرْتُ / ؟ د) الجواب: مَعَ الْأَسْفِ / ما سافَرْتُ / لا / .	۱/۵	
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید	



۱۷

پاسخ امتحان شماره ۵

- ۱ الف) رنگی (۲۵) / ب) بفرمایید (۲۵) / ج) شاید، چه بسا (۲۵) / د) شیر (۲۵) / ه) راهنمایی کرده است (۲۵)
- ۲ ضیاء (نور) ≠ ظلام (تاریکی) (۲۵) / تُبْدِلُ = تُحَوِّلُ (تغییر می دهد) (۲۵)
- ۳ گزینه ۵ (۲۵)

الف) قِط: گربه / ب) بُوم: جغد / ج) حِرَباء: آفتاب پرست / د) جُرح: زخم

۴ الف) أعشاب ← عِشْب (۲۵)

ب) جاسوس ← جِست (۲۵)

۵ الف) بگو در زمین سیر کنید، پس نگاه کنید که چگونه آفرینش را آغاز کرد. (۲۵)

ب) و برای ما مثالی زد و خلقتش را فراموش کرد. (۲۵)

ج) بزرگترین حماقت، زیاده روی در ستایش و نکوهش است. (۲۵)

د) هر کسی، چشیده مرگ است. (۲۵)

ه) امکان خواهد داشت که روزی از آن معجزه دریایی، استفاده کنیم. (۲۵)

و) گربه چندین مرتبه زخمش را می لیسد تا خوب شود. (۲۵)

ز) برخی از پرندگان چگونه گیاه مناسب را استفاده می کنند؟ (۲۵)

ح) ای راننده می خواهیم که به مدائن برویم. (۲۵)

ط) پلیس، امنیت را با سگها حفظ می کند. (۲۵)

۶ الف) آفرینش (۲۵) - فکر می کنند (۲۵)

ب) به آتش افکنی (۲۵) - خوار ساخته ای (۲۵)

۷ الف) گزینه ۲ (۲۵)؛ (سَمِعْنَا: شنیدیم)

ب) گزینه ۱ (۲۵)؛ (وَقْتُ وَاحِدٍ: یک زمان)

۸ الف) هشدار می دهد (۲۵) - تادور شوند (۲۵)

ب) حرکت نمی کند (۲۵) - جبران می کند (۲۵)

۹ الف) فعلیة (۲۵) / ب) اسمیة (۲۵)

نکته: اگر در ابتدای یک جمله، قید یا حرف داشتیم، برای تشخیص نوع جمله، ابتدا باید قید یا حرف را با وابسته هایشان برداریم، سپس تشخیص دهیم که جمله اسمیه داریم یا فعلیه.

۱۰ الف) گزینه ۱ (۲۵) / ب) گزینه ۱ (۲۵)

۱۱ الف) كَ (۲۵) / ب) الغراب (۲۵) / ج) ذات (۲۵) / د) الثَّيْسَر (۲۵)

۱۲ الف) فعلیه (۲۵) / ب) الله (۲۵) / ج) نفساً (۲۵) / د) ها (۲۵)

۱۳ الف) مضاف الیه (۲۵) - خبر (۲۵) / ب) مفعول (۲۵) - مضاف الیه (۲۵)

۱۴ الف) هذا (۲۵) / ب) ذائقة (۲۵) / ج) إفعال (۲۵) / د) إثنان (۲۵) / ه) رأس (۲۵) / و) عُدَد (۲۵)

۱۵ خبر: شاهدوا - (۲۵): مشاهده کردند (۲۵)

مفعول: مِثات (۲۵) - صدها (۲۵)

۱۶ الف) درست (۲۵)؛ حیوانات آبی بر روی سطح آب زندگی می کنند.

ب) نادرست (۲۵)؛ قطعاً سلمان فارسی از یاران پیامبر (ص) و ریشه اش از

عراق است.

ج) نادرست (۲۵)؛ نورانی کردن یعنی عدم وجود نور.

د) نادرست (۲۵)؛ گاو فقط شیر، می دهد.

ترجمه متن «از مهم ترین مشکلاتی که انسان با آن روبه رو می شود، همان مشکل آلودگی (ضد پاکیزگی) محیط زیست است. پس بعد از آنکه انسان در بهبود زندگی اش موفق شد با مشکلات زیادی روبه رو شد و آن، نتیجه نادانی اوست. پس حقوق محیط زیستی دو وجه دارند، به این معنی که حق ما به طبیعت آن است که بر کشف رازهای آن تلاش کنیم و از حق های طبیعت بر ما این است که آن را از آلودگی حفظ کنیم!»

الف) چه زمانی انسان با مشکلاتی زیاد، مواجه می شود؟ بَعْدَ أَنْ نَجَحَ فِي تَحْسِينِ مَعِيشَتِهِ. (۲۵)

ب) مهم ترین مشکلات انسان در زندگی زیستی خودش چیست؟ التَّلَوُّثُ (۲۵)

ج) حق طبیعت بر ما چگونه محقق می شود؟ أَنْ نُحَافِظَ عَلَيْهَا مِنَ التَّلَوُّثِ. (۲۵)

د) ما سعی بر کشف چه چیزی در طبیعت می کنیم؟ أسرارها (۲۵)

۱۸ الف) طَهَّرَ (۲۵) / ب) نَعَمَ (۲۵) / ج) سؤال: كَمْ الْمَسَافَةِ مِنْ بَغْدَادَ إِلَى هِنَاكَ؟ (۲۵) / د) پاسخ: أَطْلُنُ الْمَسَافَةَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِتْرًا. (۲۵)

پاسخ امتحان شماره ۶

۱ الف) از تو می پرسند (۲۵) / ب) به من بده (۲۵) / ج) دزه (۲۵) / د) حکومت می کرد (۲۵) / ه) بستن (۲۵)

۲ قَلِيلًا (کم) ≠ كَثِيرًا (زیاد) (۲۵) / إِيْتَعِدُوا = اجْتَنِبُوا (دوری کنید) (۲۵)

۳ گزینه ۵ (۲۵)

الف) نُحَاس: مس / ب) تَلَا: خواند / ج) خَدِيد: آهن / د) حَسَب: چوب

۴ الف) مَوَاعِد ← مَعْرَد (۲۵) / ب) ماء ← جِست (۲۵) / میاه (۲۵)

۵ الف) ای مردم مثالی زده شد، پس به آن گوش کنید. (۲۵)

ب) قطعاً کسانی که غیر از خدا را می خوانند، مگسی [هم] نخواهند آفرید. (۲۵)

ج) بر خودتان عیب جویی نکنید و با لقب ها لقب گذاری نکنید. (۲۵)

د) از تو عذر می خواهیم. شماره ۸۳ را به تو دادم. (۲۵)

ه) شهرها با چیزی مانند عدالت آباد نشده اند. (۲۵)

و) هدیه هایی که مردم آن ها را آوردند، پذیرفته نشدند. (۲۵)

ز) قوم از پادشاه شایسته به خاطر کار شایسته اش تشکر کردند. (۲۵)

ح) ما تو را در کازت یاری می کنیم. (۲۵)

ط) ذوالقرنین به دزه ای نزدیک دو کوه رسید. (۲۵)

۶ الف) پادشاه عادل (۲۵) - حرکت کرد (۲۵)

ب) ایمان آوردید (۲۵) - نباید مسخره کنند (۲۵)

۷ الف) گزینه ۱ (۲۵)؛ (تَغَسَّلُ: شسته می شوند - بدایة: شروع)

ب) گزینه ۲ (۲۵)؛ (يُغَرِّقُ: شناخته می شوند)

۸ الف) خوانده شد (۲۵) - گوش کنید (۲۵)

ب) حکومت می کرد (۲۵) - یاد شد (۲۵)

۹ فعل مجهول: أَصْلَحَ (۲۵): اصلاح شدند (۲۵)

۱۰ الف) گزینه ۳ (۲۵) / ب) گزینه ۲ (۲۵)

۱۱ الف) خَيْرٌ (۲۵) / ب) خُلِقَ (۲۵) / ج) قَبِيلَتِي (۲۵) / د) «مفتاح» یا

«ی» (۲۵)

۱۲ الف) سِتْوَن (۲۵) / ب) السِّتْوَنَ (۲۵) / ج) قَبْلَتْ (۲۵) / د) قُمْ (۲۵)

نکته: ۱) اگر اعداد عقود «ال» بگیرند قطعاً ترتیبی هستند. ۲) هر فعل ماضی که با «ع» شروع شود و عین الفعل آن «واو» نباشد، قطعاً مجهول است.

۱۷ الف) گزینه «۲» (۲/۵) (درس ۴)

ب) لزيارة مرقد سلمان الفارسی (یا: لِمَشَاهِدَةِ طَاقِ کِسری) (درس ۵)

۱۸ سؤال: هل عندکم بطاقاتُ الدُّخُولِ؟ (۵/۵) / پاسخ: نعم (۲/۵)، بطاقاتُنَا بیدنا. (۲/۵) (درس ۴)

پاسخ امتحان شماره ۱۴

۱ الف) فروزان (۲/۵) (درس ۱) / ب) شیر می داد (۲/۵) (درس ۷)

یادآوری: صیغه های کَانَ + فعل مضارع ← فعل ماضی استمراری

ج) فرودگاه (۲/۵) (درس ۲) / د) آزادی (۲/۵) (درس ۴) / ه) از دست دادن (تباه کردن) (۲/۵) (درس ۵)

۲ یبکی (گریه می کند) ≠ یَضَحُکُ (می خندد) (۲/۵) (درس ۷) / یَقْدِرُ = یَسْتَطِيعُ (می تواند) (۲/۵) (درس ۵)

۳ گزینه «ج» (۲/۵)

الف) الحِرْباء: آفتاب پرست / ب) القِطْ: گربه / ج) الخرب: جنگ / د) الکلب: سگ (درس ۵)

۴ الف) بهیمة (۲/۵) (درس ۳) / ب) جواسیس (۲/۵) (درس ۵)

دقت کنید: گاهی سؤالات مربوط به واژگان، از پاورقی ها مطرح می شوند.

۵ الف) برای گناهانشان طلب آمرزش کردند (آمرزش خواستند) و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد؟ (۲/۵) (درس ۳)

تذکره: حواستان باشد که در این نوع سؤالات، جابه جایی صحیح اشکالی ندارد. مثلاً برای مورد «الف»، این ترجمه هم صحیح است: «پس طلب آمرزش کردند برای گناهانشان و جز خداوند چه کسی گناهان را می آمرزد؟»

ب) بی گمان این امت شماسست، امتی یگانه و من پروردگارتان هستم پس مرا بپرستید. (۲/۵) (درس ۴)

دقت کنید: فعل «فَاعْبُدُونِ» در اصل به شکل «فَاعْبُدُونِي» بوده است، بنابراین معنای دقیق آن «پس مرا بپرستید» است.

ج) هر کس برای خدا مخلص (بکرنگ) شود (شد) چشمه های حکمت و دانش بر زبانش آشکار می شود (شد). (۲/۵) (درس ۲)

نکته: گاهی در آیات و روایات و ضرب المثل ها و همچنین ساختار شرطی (که در سال یازدهم می خوانید) می توانیم فعل ماضی را به صورت مضارع ترجمه کنیم و صحیح است.

د) گاهی انسان چشمه زندگی را در تاریکی ها جست و جو می کند. (۲/۵) (شاید انسان... جست و جو کند.) (درس ۸)

نکته: قد + فعل مضارع = گاهی... / شاید...

ه) مردم از ذوالقرنین می خواستند که کارهایشان را اداره کند. (۲/۵) (درس ۶)

یادآوری: ۱ صیغه های کَانَ + مضارع ← ماضی استمراری

۲ آن + مضارع ← مضارع التزامی مثال: أَنْ يَذْهَبَ: که برود

و) قطعاً خدا، مرا به مدارا کردن با مردم دستور داد همان طور که مرا به انجام واجبات دینی دستور داد. (۲/۵) (درس ۷)

ز) پدیده باران ماهی در هندوراس چه زیباست. (۲/۵) (درس ۳)

دقت کنید: ما + وزن أَفْعَلْ ← ساختار تعجب مثال: مَا أَكْثَرَ: چه زیاد است

و) در دانشنامه ای علمی خواندم (۲/۵) که چشم جغد حرکت نمی کند. (۲/۵) (درس ۵) / ز) مسافران، ایران را کشوری زیبا یافتند (۲/۵) و مردم ایران ملتی مهمان دوست هستند. (۲/۵) (درس ۲) / ح) پروردگارا مرا برپاکننده نماز (۲/۵) قرار بده. (۲/۵) (درس ۷) / ط) هر کس چهل روز برای خدا مخلص شود (شد) (۲/۵) چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش آشکار می شود (شد). (۲/۵) (درس ۲)

۶ الف) گزینه «۱» (۲/۵) (درس ۶)

نکته: آن + مضارع ← که + مضارع التزامی

مثال: أَنْ يَذْهَبَ: که برود

ب) گزینه «۲» (۲/۵) (درس ۷)

۷ الف) آفتاب پرست (۲/۵) - دو چشمش (۲/۵) (درس ۵)

ب) عطا کن (۲/۵) - گام هایمان (۲/۵) (درس ۷)

۸ الف) گزینه «۲» (۲/۵) (درس ۳) / ب) گزینه «۳» (۲/۵) (درس ۴) / ج) گزینه «۳» (۲/۵) (درس ۴) / د) گزینه «۱» (۲/۵) (درس ۶) / ه) گزینه «۱» (۲/۵) (درس ۴) / و) گزینه «۳» (۲/۵) (درس ۵)

۹ الف) پوزش خواهم خواست (۲/۵) (درس ۳) / ب) نیافریدی (۲/۵) (درس ۲) / ج) مرا حیران می کند (۲/۵) (درس ۷) / د) تعمیر خواهیم کرد (۲/۵) (درس ۵) / ه) می نوشتند (۲/۵) (درس ۱) / و) ننویس (۲/۵) (درس ۱) / ز) سپاسگزاری کردید (۲/۵) (درس ۴) / ح) ستم نمی کند (۲/۵) (درس ۵)

۱۰ الف) فعل ماضی (۲/۵) (نازل کرد) / ب) فعل مضارع (۲/۵) (مشاهده می کنند)

نکته: فعل غایب، در ابتدای جمله به صورت مفرد می آید ولی اگر فاعلش مثنی یا جمع باشد به صورت جمع ترجمه می شود.

ج) فعل امر (۲/۵) (قرار بدهید) - فعل نهی (۲/۵) (سخن نگویند)

۱۱ الف) الأولى (۲/۵) (درس ۲) / ب) سبعة (۲/۵) (درس ۲) / ج) عشرين (۲/۵) (درس ۲) / د) ۵۵: ۸ (۲/۵) (درس ۲)

۱۲ الف) مبتدا (۲/۵) - مجرور به حرف جر (۲/۵) (درس ۵)

ب) فاعل (۲/۵) - مفعول (۲/۵) (درس ۵)

۱۳ تُغَسَّلُ (۲/۵): شسته می شود (۲/۵)

۱۴ الف) «ب» (۲/۵) (درس ۷) / ب) عَنْ (۲/۵) (درس ۷)

۱۵ الف) المِشْمِش (۲/۵) (درس ۲) / ب) شَرَّفْتُ (۲/۵) (درس ۵) / ج) الغداء (۲/۵) (درس ۶) / د) الْمُهِذَّةُ (۲/۵) (درس ۴)

۱۶

ترجمه متن کتابی درباره شگفتی های دریاها و اقیانوس ها خواندم. از جمله آن ها ماهی های نورانی ای که نورشان در اعماق دریاها پخش می شود. ما می توانیم از این نورها برای روشنایی شهرها استفاده کنیم. و همچنین دلفین ها دوست انسان در دریا هستند و آن ها با به کارگیری صداهای معین صحبت می کنند و مانند پرندگان آواز می خوانند و مانند بچه ها گریه می کنند و مانند انسان سوت می زنند و می خندند.

الف) براساس متن موضوع کتابی که خوانده شده است، چیست؟ حول عجائب البحار و المحيطات (۲/۵)

ب) دلفین ها چگونه سخن می گویند؟ با استخدام اصوات مُعَيَّنَة. (۲/۵)

ج) صحیح و غلط را مشخص کن:

۱ نادرست (۲/۵): دلفین ها مانند کودکان آواز می خوانند.

۲ درست (۲/۵): شگفتی های مخلوقات در دریاها و اقیانوس ها زیاد هستند.

(د) اِثْنَيْنِ (۲/۲۵) (درس ۲)

یادآوری: عدد اصلی «۲»، پس از معدود می آید و از نظر جنسیت و وزن با آن مطابقت دارد.

(ه) الخَامِس (۲/۲۵) (درس ۲) / وَ تَسْعِينَ (۲/۲۵) (درس ۲)

۱۵ اسم فاعل: طُلَّاب (۲/۲۵): دانش آموزان، دانشجویان (۲/۲۵) / اسم مفعول: مُجَهَّزَة (۲/۲۵): آماده شده (۲/۲۵) (درس ۸)

یادآوری: اسم فاعل بر وزن «فَاعِل، فاعی، فَال»، «مُب» می آید و ترجمه اش به صورت انجام دهنده کاری یا دارنده حالت است. اسم مفعول بر وزن «مَفْعُول، مَوْعُول» یا «مُ+» می آید و ترجمه اش به صورت انجام شده کار است.

۱۶ الف) درست (۲/۲۵): (مروریدها، از سنگ های گرانبهای دارای رنگ سفید هستند). (درس ۱)

(ب) نادرست (۲/۲۵) (قطعاً خمیر از نان درست می شود). (درس ۸)

(ج) نادرست (۲/۲۵): (۱۰ = ۵ ÷ ۱۰۰) (درس ۴)

(د) درست (۲/۲۵): (اردک پرنده ای است که در خشکی و آب زندگی می کند). (درس ۵)

۱۷

ترجمه متن «حامد در اداره آموزش و پرورش در استان اردبیل، کارمند است. در ساعت «۶» همیشه برای رفتن به اداره اش سوار اتوبوس می شد و در راهش، نیازمندی با دست قطع شده را می دید و این صحنه، او را بسیار ناراحت می کرد و هر روز هزار تومان به او می داد. پس از مشاهده این موضوع، پندی از رسول خدا (ص) را به یاد آورد که به این اشاره داشت که مخلوقات، از یک جزئی که خداوند در زمین نازل کرده است، با هم مهربانی می کنند.»

(الف) حامد چند تومان به فقیر می داد؟ كَانْ حَامِدٌ يُعْطِي الْفَقِيرَ أَلْفَ تَوْمان. (۲/۲۵)

(ب) فقیری که حامد، او را دیده بود، چگونه بود؟ كَانْ الْفَقِيرُ مَقْطُوعَ الْيَدِ. (۲/۲۵)

(ج) حامد کجا کار می کرد؟ كَانْ حَامِدٌ يَعْمَلُ فِي إِدارةِ الثَّرِيَّةِ وَ التَّعْلِيمِ. (۲/۲۵)

(د) کدام عنوان برای ایده متن، غلط است؟ گزینه «۳» (۲/۲۵) همنشین بد (ترکیبی از دوس ۲ و ۳)

۱۸ الف) لزيارة الإمام الثامن (ع) (۲/۲۵) (یا هر پاسخ صحیح دیگری) (درس ۲)

(ب) فی مدینة شیراز. (۲/۲۵) (اشاره به نام هر شهری) (درس ۲)

(ج) سؤال: هَلْ سافَرْتُ إِلَى لبنان؟ (۲/۲۵) (درس ۱)

(د) پاسخ: لا، مَعَ الْأَسَفِ ما سافَرْتُ. (۲/۲۵) (لا، ما سافَرْتُ مَعَ الْأَسَفِ). (درس ۱)

(ح) حیوانات از منطقه خطر با هشدار دادن کلاغ دور می شوند. (۲/۲۵) (درس ۵)

دقت کنید: نکته ترجمه ای که از این جمله می فهمیم، این است که گاهی در این سوالات، مصدر فعلی که در واژه نامه کتاب درسی آمده، سؤال می شود و یا بالعکس. (تَحَذَّرُ: هشدار می دهد / تَحْذِيرُ: هشدار دادن)

(ط) به شاخه های درختی که میوه هایش زیاد (بسیار) است نگاه کنید. (۲/۲۵) (درس ۳)

۶ الف) آفرینش (۲/۲۵) - می اندیشند (فکر می کنند) (۲/۲۵) (درس ۵)

(ب) داریم (۲/۲۵) - خالی می شود (۲/۲۵) (درس ۴)

یادآوری: لَدَى + ضمیر ← مالکیت برای آن ضمیر **مثال:** لَدَى: دارم

۷ الف) گزینه «۱» (۲/۲۵): (جَيْشِ الْعَظِيمِ: ارتش بزرگش ← یک ترکیب وصفی - اضافی است. - مَنَاطِقُ: مناطق) (درس ۶)

(ب) گزینه «۲» (۲/۲۵): (تُحِبُّ: دوست داری ← مضارع ساده - تَرْضَى: راضی می شوی، خشنود می شوی - وَصَفْتُ: توصیف کردم ← ماضی ساده) (درس ۸)

۸ الف) بگردید (۲/۲۵) - شروع کرد (۲/۲۵) (حواستان باشد که «بَدَأَ: شروع کرد / اِبْتَدَأَ: شروع شد»). (درس ۵)

(ب) می دانم (۲/۲۵) - نمی دانید (۲/۲۵) (درس ۴)

۹ ما عَمَرْتُ (۲/۲۵): آباد نشد (آباد نشده است) (۲/۲۵) (درس ۶)

یادآوری: هر فعل ماضی ای که با «ع» شروع شود و عین الفعلش مکسور باشد (ب) و هر فعل مضارعی که با «ع» شروع شود و عین الفعلش مفتوح (ع) باشد، مجهول است و در ترجمه اش مصدر (شدن) دارد.

۱۰ الف) گزینه «۱» (۲/۲۵) (درس ۴)

یادآوری: تَفَرَّقَ، يَتَفَرَّقُ، تَفَرَّقَ، تَفَرَّقَ

(ب) گزینه «۱» (۲/۲۵): (حواستان باشد که «تَخْرُجُ» یک فعل مجرد است، واحد آن به صورت «أَخْرَجَ» صحیح است). (درس ۴)

۱۱ الف) حَبَّةٌ (۲/۲۵) (درس ۱) / (ب) علامة (۲/۲۵) (درس ۸) / (ج) سَاعِدَتْنِي (۲/۲۵) (درس ۷) / (د) اجتماع (۲/۲۵) (درس ۴)

یادآوری:**۱** اسم یا ضمیری که پس از حروف جر بیاید، مجرور به حرف جر است.**۲** اسمی که بر وزن «فَعَال، فَعَالَة» باشد، اسم مبالغه است.**۳** هرگاه یک فعل بخواهد به ضمیر متصل (ی) بچسبد، بینشان نون وقایه داریم.**۴** «اجتماع» بر وزن «إِفْتِعَال»، مصدری مزید است.**۱۲** الف) عَرَفَ (۲/۲۵) (درس ۷) / (ب) تَجَرَّى (۲/۲۵) (درس ۲) / (ج) جَالَسَ (۲/۲۵) (درس ۴) / (د) تَعَايَشَ (۲/۲۵) (درس ۴)**۱۳** الف) مبتدا (۲/۲۵) - مضاف الیه (۲/۲۵) (درس ۶)

(ب) فاعل (۲/۲۵) - صفت (۲/۲۵) (درس ۲)

۱۴ الف) فی (۲/۲۵) (درس ۷) / (ب) تَغْسِلُ (۲/۲۵) (درس ۶)

نکته: فعل های غایب (سوم شخص)، حتماً در ابتدای جمله به صورت مفرد می آیند.

(ج) السَّابِعة (۲/۲۵) (درس ۶)

یادآوری: برای بیان ساعت هایی غیر از «۱»، از اعداد ترتیبی مؤنث استفاده می کنیم.



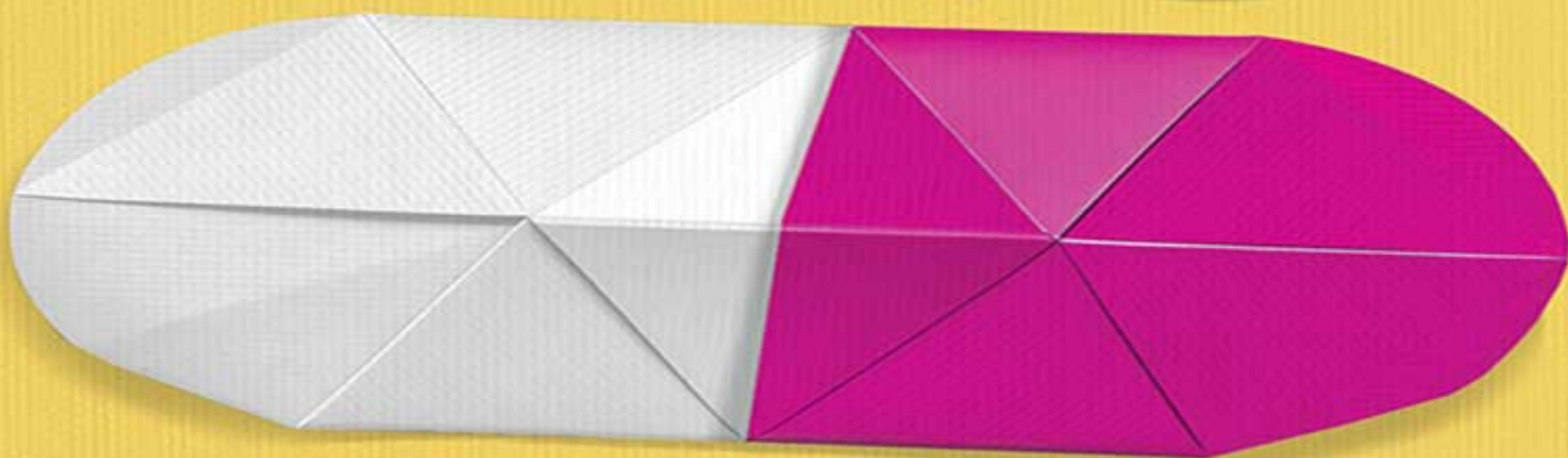
رشته تجربی و ریاضی

خلاصه کیسولی

عربی ۱

• خلاصه تمام قواعد امتحان پایانی
• واژه‌نامه الفبایی

مطابق با
آخرین تغییرات
کتاب درسی



مهرو ماه



هومان

اسکن کن!
قیمت و سال چاپ رو ببین!



9 786003 178984



- جَوَازَات (جَوَازُ السَّفَرِ): گذرنامه‌ها «مفرد: جَوَاز»
- جَوّ: هوا، آسمان
- جَوّال: تلفن همراه
- جَبِيش: ارتش «جمع: جُیوش»
- جَيِّدًا: خوب، به خوبی

ح

- حَادّ: تیز
- حَاوَل: تلاش کرد
- حَبَّة: دانه
- حَبَل: طناب «جمع: حَبال»
- حُبُوبٌ مُهْدَنَةٌ: قرص‌های آرام‌بخش
- حَدَث: اتفاق افتاد
- حَدِيد: آهن
- حَدَّرَ: هشدار داد
- حِرْبَاء: آفتاب‌پرست
- حَرَك: حرکت داد
- حُرِّيَّة: آزادی
- حَسَنًا: بسیار خوب
- حَطَب: هیزم
- حِفَاط عَلَي: نگهداری از
- حَفَرَ: کند، حفر کرد
- حَلَّ بِ...: در... فرود آمد، حل کرد
- حِلْم: بردباری
- حَلِيب: شیر
- حُمَق: نادانی
- حَمِيم: گرم و صمیمی
- حِوَار: گفت‌وگو
- حَوْل: پیرامون، دورتادور
- حَوَّل: تبدیل کرد
- حَيَّرَ: حیران کرد

خ

- خَاظَب: خطاب کرد
- خُبَز: نان
- خَرَب: ویران کرد
- خَرِيف: پاییز
- خِلَاف: اختلاف
- خَلَق: آفرینش
- خُمَس: یک پنجم
- خَمِيس: پنجشنبه
- خَيَّرَ: اختیار داد

د

- دَارَ (يَدَوَّر): چرخید
- دَائِبَة: چارپا
- دَجَاج: مرغ
- دَخَلَ: داخل شد
- دُرَر: مرواریدها «مفرد: دُر»
- دَعَا: فراخواند، دعا کرد
- دَلَفِين: دلفین‌ها

- دَلّ: راهنمایی کرد
- دَلِيل: راهنما، سبب
- دَوَام: ساعت کار
- دَوَّر: نقش
- دَوَّنَ: بدون
- دَوَّنَ أَنْ: بی‌آنکه
- دِين (دینی): دین من

ذ

- ذَا (هَذَا): این «مَنْ ذَا: این کیست؟»
- ذَابَ: ذوب شد
- ذَات (ذو، ذَا، ذِي): دارای، صاحب
- ذَاكَ (ذَلِكَ): آن
- ذَاكِرَة: حافظه
- ذَاقَ (يَذُوقُ): چشید
- ذُبَاب: مگس
- ذَكَرَ: مرد، نر
- ذِكْر: یاد
- ذِكْرِيَات: خاطرات «مفرد: ذِكْرِي»
- ذَمَّ: نکوهش
- ذَنْب: دُم «جمع: أَذْنَاب»
- ذَهَبِيَّة: طلایی

ر

- رَائِع: جالب
- رَائِب: مردود
- رَأَى: دید
- رُبَّمَا: چه بسا
- رُبْع: یک چهارم
- رَجَاءٌ: لطفاً
- رَخِيصَة: ارزان
- رَصِيد: شارژ
- رَضِيَ (يَرْضَى): خشنود شد، راضی شد
- رُفَات: استخوان پوسیده
- رَقَضَ: نپذیرفت
- رَقَدَ: خوابید
- رُكِبَ: کاروان شتر یا اسب‌سواران
- رَوْح: رحمت
- رِيَا ح: باده‌ها «مفرد: رِيح»

ز

- زَائِد: به علاوه (+)، اضافی
- زَان (يَزِينُ): زینت داد
- زُبْدَة: گره
- زُيْت: روغن «جمع: زُيُوت»

س

- سَائِح: گردشگر «جمع: سَيَّاح، سَائِحُونَ»
- سَائِق: راننده
- سَائِل: مایع، پُرسشگر
- سَارَ: حرکت کرد، به راه افتاد



ض

- ضَرّ: زیان
- ضَغ (وَضَع - يَضَع): بگذار
- ضِعْف: برابر، در مقدار «ضِعْفَيْن»: دو برابر
- ضَوْء: نور «جمع: أضواء»
- ضِيَاء: روشنائی

ط

- طَبَخ: پختن
- طَزَد: دور کردن
- طَيَّور: پرندگان «مفرد: طائر»

ظ

- ظَاهِرَة: پدیده «جمع: ظواهر»
- ظَلَام: تاریکی
- ظُلُمَة: تاریکی «جمع: ظلمات»
- ظَنّ: گمان کرد
- ظَهَرَ: آشکار شد

ع

- العادی، عادٍ: دشمن، تجاوزگر
- عاش: زندگی کرد
- عام: سال «جمع: أعوام»
- عبادک الصالحون: بندگان شایسته‌ات
- عَبَّرَ: از راه، از طریق
- عَجِین: خمیر
- عداوة: دشمنی
- عَرَفَ عَلَی ...: معرفی کرد به ...
- عَزَمَ: تصمیم گرفت
- عشاء: شام
- عَشِيَّة: شامگاه، آغاز شب
- عَفَا: بخشید
- عَفْوًا: ببخشید
- عُقْدَة: گره
- عَلَّمَ: یاد داد
- عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ: در گذر زمان
- عَمِلَ: مزدور «جمع: عَمَلَاء»
- عَن: درباره، از
- عِنْدَيْهِ: در این هنگام
- عِنْدِي ضِدَاعٌ: سردرد دارم
- عَوَّضَ: جبران کرد
- عَيَّنَ: مشخص کن

غ

- غَالِيَة: گران قیمت
- غَدَاء: ناهار
- غَدَاة: صبحگاه، آغاز روز
- غُرَاب: کلاغ «جمع: غُرَبَان»
- غَرَسَ: کاشت
- غَرِيب: عجیب
- غُصُون (أَغْصَان): شاخه‌ها «مفرد: غُصْن»

- سَافَر: سفر کرد، «أَن أُسَافِرَ: که سفر کنم»
- سَامَعَ: بخشید
- ساوئ (يُساوئ): برابر است
- سَبَّ: دشنام داد، «أَلَا يَسُبُّوا: که دشنام ندهند»
- سَخَبَ: کشید
- سَرِير: تخت
- سُكَّان: ساکنین «مفرد: ساكِن»
- سَكَنَ: اقامت کرد، زندگی کرد
- سَكِينَة: آرامش
- سَلَّ (إِسْأَل): پرس
- سَلَّمَ: صلح
- سَلَمَى: مسالمت آمیز
- سَمَاع: شنیدن
- سَمَك الْقِرْش: کوسه ماهی
- سَمِعَ: شنوایی
- سَمَى: نامید
- سَنَة: سال «جمع: سَنَوَات، سِنِينَ»
- سَنَوَى: سالانه
- سَوَاء: یکسان
- سَوَّار: دستبند
- سَوْدَاء: سیاه «مؤنثِ أَسْوَد»

ش

- شاء: خواست
- شَاطِئ: ساحل «جمع: شَوَاطِئ»
- شِئَاء: زمستان
- شَحَن: شارژ کردن
- شِراء: خریدن
- شَرَزَة: آخگر (پاره آتش، زبانه آتش)
- شَرَفَ: مشرف فرمود، افتخار داد
- شَرَشَف: ملافه «جمع: شَرَاشِف»
- شُرْطَى: پلیس
- شَرِيحَة: سیم کارت
- شُعَب: ملت «جمع: شُعُوب»
- شَكْوَتْ: گلایه کردم، شکایت کردم
- شَمَ: بویایی
- شَمَمَتْ: بوییدی
- شَهْد: عسل
- شَهْر: ماه (یک ماه قمری)

ص

- صَارَ (يَصِيرُ): شد، گشت
- صَالَة: سالن
- صَبَاح الْخَيْر: صبح به خیر
- صَدَّقَ: باور کرد
- صَدْر: سینه «جمع: صُدُور»
- صَفَر: سوت زد
- صَلَّحَ (يُصَلِّح - تَصْلِيح): تعمیر کرد
- صُور: عکس‌ها، تصاویر «مفرد: صُورَة»
- صِيَانَة: نگهداری، تعمیرات

• غَنَى: آواز خواند

• غَيْرُ مَسْمُوحَةٍ: ممنوع، غیرمجاز

• غِيم: ابر

ف

• فائِز: برنده

• فارِغ: خالی

• فاق: برتری یافت «يَفُوقُ: بالاتر است از...»

• فَجَاءَ: ناگهان

• فَرَاغ: جای خالی

• فَرِح: شاد، خوشحال

• فَرَح: شادی

• فَرِحَ: شاد شد

• فَرَّخَ: شاد کرد

• فَرَّقَ: پراکنده ساخت

• فَرَس: اسب «جمع: أَفراس»

• فُرْشاة: مسواک

• فُستَان: پیراهن زنانه «جمع: فُساتین»

• فِضِّيَّة: نقره‌ای

• فُطور: صبحانه

• فَقَدَ: از دست داد

• فِلم: فیلم «جمع: أَفلام»

• قَلَوَات: بیابان‌ها «مفرد: قَلَاة»

• فِی أَمَانِ اللّهِ: در پناه خدا، خداحافظ

ق

• قَائِد: رهبر «جمع: قَادَة»

• قائِم: استوار، ایستاده

• قَاعَة: سالن

• قام: برخاست

• قام ب...: اقدام کرد

• قُبِحَ: زشتی

• قُبِیح: زشت

• قَدْ تُفَشِّشُ: گاهی جست و جو می‌شود

• قُرْب: نزدیکی

• قَرِيب: نزدیک

• قَسَمَ، قَسَمَ: تقسیم کرد

• قِشِر: پوست

• قَصِير: کوتاه

• قِط: گربه

• قَفَز: پرید، جهش کرد

• قُل: بگو

• قِلَّة: کم بودن، تنگ دستی

• قِنَا: ما را حفظ کن

• قَنِد: بند

ک

• کَاتِب: نامه‌نگاری کرد

• کَأْس: جام، لیوان

• کَانَ ... يَخْكُمُ: حکومت می‌کرد

• کَانَ ... يُرَحَّبُونَ: خوشامد می‌گفتند

• كَتَمَ: پنهان کرد

• كَذَلِک: همین‌طور

• كِرَامَة: بزرگواری

• كَرِه: زشت و ناپسند

• كَسَل: تنبلی

• كَفَى: کفایت کرد (بس شد) «يَكْفِي: بس است»

• كُل (أَكَلَ): بخور

• كَلَب: سگ

• كَوَكَب: ستاره «جمع: كَوَاكِب»

ل

• لَا بَأْسَ: هیچ اشکالی ندارد

• لَا تَتَفَرَّقُوا ← لَا تَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید

• لَا تَنْتَقِلُ: جابه‌جا نمی‌شود

• لَا حَظَّ: ملاحظه کرد

• لَبِثَ: درنگ کرد، ماند

• لَبَوْنَة: پستاندار

• لَحْم: گوشت

• لَدَى: نزد «لَدَيْهِمْ: دارند»

• لَعِقَ: لیسید

• لَوْ: اگر

• لَوْن: رنگ «جمع: أَلْوَان»

م

• مَا أَجْمَلَ: چه زیباست

• مَا عُيِّرَتْ: آباد نشد

• مَاسِوَاهَا: جُز آن

• مَالِك: دارنده

• مِئَة، مِائَة: صد

• مِائَتَيْنِ، مِئَتَيْنِ: دویست

• مِتر: متر «جمع: أَمْتَار»

• مُتْرَاكِم: فشرده

• مُجْتَهِد: تلاشگر

• مُجِدَّ: کوشا

• مُجَرَّب: آزموده

• مُجَقَّقَة: خشک شده

• مُحَارِبَة: جنگیدن

• مُحَافَظَة: استان

• مُحَامِد: ستایش‌ها «مفرد: مُحَمْدَة»

• الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِي: اقیانوس اطلس

• مُخْلِصاً: در حالی که خالص گردانده، خالص‌کننده

• مُرَافِق: همراه

• مَرَحَباً بِكُمْ: خوش آمدید، درود بر شما

• مَرَّة: بار، دفعه «جمع: مَرَات»

• مَرَّتَيْنِ: دو بار

• مَرَزَ (يُمَرِّزُ): تلخ کرد

• مَرَق: خورشید

• مَرَقَد: آرامگاه

• مَسَاء: عصر، غروب



ن

- ناقص: منهای (-)، ناقص
- نام: خوابید
- نحاس: مس
- نَحْنُ (ناح - ینوَحْ): شیون کردند
- نَحْو: سمت
- نَدَم: پشیمانی
- نُزُول: پایین آمدن، بارش
- نِسائیَّة: زنانه
- نَضْرَة (نَضِر): تر و تازه
- نُفایة: زباله «جمع: نُفایات»
- نَفْساً: کسی
- نُقوداً وَ زَقایة: پول های کاغذی (اسکناس)
- نَمَت (نَمّا - ینمو): رشد کرد
- نَمَلَة: مورچه
- نِهایة: پایان
- نَهَب: به تاراج برد
- نیام: خفتگان «مفرد: نایم»

ه

- هاتِف: تلفن «جمع: هَوَاتِف»
- الِهاتِف الجَوّال: تلفن همراه
- هَجَر: دوری
- هَجَزَت: جدا شدی، رها ساختی
- هَذَا (هَدی): رهنمون ساخت
- هَوْن: آرامش، به آرامی

و

- واجِبَة: تکلیف
- والدای: پدر و مادر
- وَجَد: یافت
- وَجَع: درد
- وَدّ: عشق و دوستی
- وَراء: پشت
- وَزَت: به ارث گذاشت
- وَزَع: پارسایی
- وَسَع: توانایی
- وَصَفْتُ: وصف کردم
- وَصُول: رسیدن
- وَقایة: پیشگیری
- وَكْر: لانه
- وَكَنات: لانه ها «مفرد: وَكْنَة»

ی

- یَتَرَاخَمُ الخَلْقُ: آفریدگان به هم مهربانی می کنند
- یُخْرِجُ: درمی آورد
- یَسار: چپ
- یَسْتَعینُ (اِسْتَعانَ): کمک می گیرد
- یُسِر: آسانی
- یَسُر: آسان گردان
- یَمین: راست
- یَنایع: جوی های پر آب، چشمه ها «مفرد: یَنبوع»
- یَنبِعث: فرستاده می شود

• مسافَة: فاصله

- مُسْتَعِرَة (مُسْتَعِر): فروزان
- مُسْتَعین: یاری جوینده
- مُسْتَعیناً بِ: با استفاده از
- مُسْتَنقَع: مرداب
- مَسْموح: مجاز
- مَسْؤول الإِسْتقبال: مسئول پذیرش
- مُشْرِف: مدیر داخلی
- مِشْمِش: زرد آلو
- مَصانِع: آب انبارهای بیابان (معنای امروزی: کارخانه ها)
- مُضَحَف: قرآن
- مُضیء: نورانی
- مِضیاف: مهمان دوست
- مَضیق: تنگه
- مَطَار: فرودگاه
- مَطَر: باران
- مَطَرُ السَّمَک: باران ماهی
- مُظْهَر: پاک کننده
- مَعَ الأَسَف: متأسفانه
- مَعَ بَعْضی: با همدیگر
- مَعجونُ أَسنان: خمیر دندان
- مَفروش: پوشیده، فرش شده
- مَقابر: آرامگاه ها، قبرستان ها «مفرد: مَقْبَرَة»
- مُقْتَدِرَة: نیرومند
- مَكْتَبَة: کتابخانه
- مَلابِس: لباس ها «مفرد: مَلَبَس»
- مَلِک: مالک شد، داشت، فرمانروایی کرد
- مَلِک: پادشاه «جمع: مُلوک»
- مُلَمَع: درخشان، شعری که از ابیات فارسی و عربی تشکیل شده است.
- مَلِیح: بانمک
- مُمْتَدّ: ادامه دار، پیوسته
- مَفزُوج: درهم آمیخته
- مَمْلُوک: داشته
- مِنْ دُونِ الله: به جای خدا، به غیر خدا
- مِنْ فَضْلِک: لطفاً (خواهشمندم)
- مُنادی: صدا کننده، پیام دهنده
- مُنْتَشِرَة: پخش شده، پراکنده
- مِنْشَفَة: حوله
- مُنْقَذ: نجات دهنده
- مُنْهَمِرَة (مُنْهَمِر): ریزان
- مِهْر جان: جشنواره
- مَواعِد: وقت ها «مفرد: مَوْعِد»
- مَوْت: مرگ
- مَوَسُوعَة: دانشنامه
- مُوْظَف: کارمند
- مِیاه: آب ها «مفرد: ماء»